

پایه‌های پُرشکافِ عمارتِ امارت

گزارشی از موزاییک قبیله‌ای در ساختار قدرت طالبان

در این گزارش تلاش شده تصویر کلانی از یک دینامیسم غالباً مغفول‌مانده یعنی مناسبات قبیله‌ای در درون گروه طالبان عرضه شود. اهمیت پرداختن به این وجه از حیات سازمانی و ایدئولوژیک طالبان از این جهت مهم است که خود طالبان و بسیاری از گزارشگران و تحلیل‌گران خارجی همواره جنبه‌ی ایدئولوژیک-مذهبی طالبان را برجسته کرده‌اند.

امیر بهنام / جلیل رونق



۸ تیر ۱۴۲۲

اشاره: گروه طالبان در خارج از افغانستان معمولاً با دیدگاه‌های تندروانه‌ی مذهبی خود شناخته می‌شود. حتی در میان مردم افغانستان نیز جلوه‌های دینی رفتارهای طالبان گاه سبب شده که وجه عقیدتی حاکمیت این گروه بیشتر برجسته به نظر بیاید. هرچند پابندی طالبان به آموزه‌های رادیکال مذهبی مشهور است، آنچه غالباً پوشیده است و پیوسته از نظر بسیاری از ناظران دور می‌ماند ربه‌ای کاملاً مادی، دنیوی و غیرمذهبی در هویت این گروه است؛ ساختار قبیله‌ای تقسیم قدرت در میان ارکان سیاسی طالبان. در نزدیک به دو سالی که از دور دوم حاکمیت طالبان در افغانستان می‌گذرد، هیچ کشوری حکومت این گروه را به رسمیت نشناخته است. این واقعیت مانع از آن شده است که طالبان بتوانند خود را در سطح بین‌المللی به‌عنوان یک قدرت سیاسی مشروع معرفی کنند. از سوی دیگر، طالبان در داخل افغانستان نیز نتوانسته‌اند رضایت شهروندان را به‌دست بیاورند. فضای بسته‌ی سیاسی، بحران اقتصادی سرتاسری، فشار نظامی طالبان بر بخش‌هایی از جامعه، محروم‌سازی زنان از حق تحصیل و اشتغال، تعطیلی رسانه‌های آزاد و توقف خدمات اجتماعی پاره‌ای از علل نارضایتی مردم نسبت به حکومت طالبان است. در این میان، شکاف‌های درونی طالبان - که برخاسته از رقابت‌ها و منازعات قبیله‌ای دیرپای تاریخی در خاستگاه اجتماعی این گروه است- به این پرسش دامن زده است که آینده‌ی سیاسی افغانستان در ماه‌ها و سال‌های پیش رو چه صورتی خواهد یافت.

نکته‌ی مهمی که لازم می‌دانیم بر آن تأکید کنیم این است که ما در این گزارش کوشیده‌ایم تصویر کلانی از یک دینامیسم غالباً مغفول‌مانده - یعنی مناسبات قبیله‌ای در درون گروه طالبان - عرضه کنیم. اهمیت پرداختن به این وجه از حیات سازمانی و ایدئولوژیک طالبان از این جهت مهم است که خود طالبان و بسیاری از گزارشگران و تحلیل‌گران خارجی همواره جنبه‌ی ایدئولوژیک-مذهبی طالبان را (به قیمت پنهان ماندن وجه قبیله‌ای آنان) برجسته کرده‌اند. البته یک پژوهش جامع در این مورد نیاز به سال‌ها کار دقیق میدانی دارد. دامنه‌ی چنان پژوهشی به مراتب گسترده‌تر از این گزارش خواهد بود. در این گزارش بنا این بود که سنگ نخست چنان کاری گذاشته شود. معنای این سخن این است که ممکن است، با تمام جهدی که برای سنجش داده‌ها کرده‌ایم، هنوز خطاهایی در این گزارش راه یافته باشند. این گزارش به روی نقد و تصحیح داده‌ها باز است. ما از تمام خوانندگان دعوت می‌کنیم که برای کامل شدن این گزارش دیدگاه‌های خود را با ما در میان بگذارند. این

گزارش در حقیقت پاره‌ای از اندام‌ها و بسترهای موجود واقعیت کنونی طالبان را از نظر مناسبات قبیله‌ای میان سهامداران اصلی قدرت طالبان تصویر می‌کند. به بیانی دیگر، اگر کسی بنا داشته باشد تحولات بعدی در سیاست‌های درون‌گروهی طالبان را دنبال کند، این گزارش بخشی از گسل‌ها و خطوط برجسته‌ی فعلی این تحولات را نشانه‌گذاری می‌کند. گزارش حاضر قدم نخست است و در ماه‌ها و سال‌های پیش رو به صورت مداوم ویراسته و پیراسته خواهد شد.

۱

در پیش از ظهر ۲۴ اسد سال ۱۴۰۰ خورشیدی، چهار چرخ بال از ارگ ریاست‌جمهوری به پرواز درآمدند و سپس در میدان هوایی ترمذ در کشور ازبکستان بر زمین نشستند. این چرخ‌بال‌ها حامل اشرف غنی، رییس‌جمهور، حمدالله محب، مشاور امنیت ملی و شماری از نزدیکان او و محافظانش بودند که به این ترتیب از کشور فرار کردند. با فرار اشرف غنی، شهر کابل سقوط کرد. جنگ‌جویان طالبان به سرعت وارد شهر شدند. تا شامگاه آن روز، جنگ‌جویان این گروه در بسیاری از نقاط شهر ایست‌های بازرسی ایجاد کرده بودند. ساعت هشت شب، حمدالله محب و مولوی صلاح‌الدین ایوبی، دو فرمانده طالبان، وارد ارگ ریاست‌جمهوری شدند؛ تلویزیون الجزیره این صحنه را به‌گونه‌ی زنده پخش کرد. ملا عبدالغنی برادر و شماری از اعضای طالبان از دوحه این صحنه را تماشا می‌کردند.

ملا برادر در پروازی از دوحه به قندهار و از آن‌جا به کابل رفت. سراج‌الدین حقانی که تا آن زمان هیچ عکسی از او دیده نمی‌شد و اف‌بی‌آی برای اطلاعاتی که منجر به دستگیری‌اش شود، ۱۰ میلیون دالر جایزه تعیین کرده بود، به کابل رسید. طالبان یک‌بار دیگر پس از ۲۰ سال کنترل افغانستان را به‌دست گرفتند.

هفت ماه پس از استقرار طالبان در کابل، در حالی که اعضای این گروه یکی بی دیگری رؤیت می‌شدند، اختلاف‌ها و تفاوت‌های سیاسی نیز اندک اندک به سطح می‌آمدند.

افشای مخفیگاه ایمن‌الظواهری، رهبر القاعده و سپس صدور فرمان منع آموزش زنان از سوی رهبر طالبان نقطه عطفی بود که توجهات را به اختلاف‌ها و رقابت‌های درون‌سازمانی طالبان جلب کرد. اعتراض به تصامیم رهبری طالبان که در قندهار مستقر شده بود و از ظاهرشدن در میان مردم به سیاق اولین رهبر این گروه به‌شدت پرهیز می‌کرد، تا وزارت داخله و دفاع و معاونت ریاست‌الوزرای طالبان در کابل هم رسید. پس از آن بود که این پرسش به جد مطرح شد که دستگاه حکمرانی واقعی طالبان در کجا است؟

۲

طالبان کیستند؟

براساس روایت ملا عبدالسلام ضعیف در کتاب «طالبان»، اساس تحریک طالبان در هفته‌ی اول ماه اکتبر سال ۱۹۹۴ میلادی در روستای «سنگسار» که اکنون بخشی از ولسوالی ژیری ولایت قندهار است، گذاشته شد. در ابتدا، مولوی عبدالصمد به‌عنوان امیر طالبان برگزیده شد؛ اما با کناره‌گیری او از این گروه، ملا محمد عمر به‌عنوان امیر تحریک طالبان انتخاب شد. ملا عمر پیش از آن در جبهه حفیظ‌الله آخوندزاده یک جنگ‌جوی ساده بود. مطابق روایت عبدالسلام ضعیف، طالبان کارشان را ابتدا با ۳۵ جنگ‌جو و یک موتورسایکل که به‌دلیل صدای بلندش در میان آنان به «تانک اسلام» مشهور شده بود، شروع کردند. سپس حاجی بشر نوری، یکی از افراد متمول طرفدار ملا عمر، دو موتر به این گروه اهدا کرد و مصارف آن را نیز به عهده گرفت (حاجی بشر نوری که برای مدت مدیدی نزد امریکایی‌ها محبوس بود، پس از به قدرت رسیدن دوباره طالبان از زندانی در امریکا آزاد شد و به افغانستان بازگشت). با این حال، امتیازگل، پژوهشگر پاکستانی در کتاب «خطرناک‌ترین جای جهان؛ مرزهای بی‌قانون پاکستان» می‌گوید که ملا عمر تحت حمایت نظامیان پاکستانی بود و کرنیل امام، قنصل پاکستان در هرات و از افسران آی‌اس‌آی او را آموزش نظامی داده بود. تحریک طالبان با شورش ملا عبدالرزاق و ملا محمد ربانی در ارغستان و اسپین‌بولدک، تحرک بیشتری یافت. پس از آن مولوی احسان‌الله احسان، مولوی عباس آخوند، مولوی وکیل احمد متوکل، ملا بورجان، ملا مشر آخوند، ملا عبدالخالق آخوند و ملا عبیدالله نیز با تحریک طالبان یک جای شدند. عبدالسلام ضعیف چهره‌های اولیه و مهم طالبان را این‌طور برشمرده است: ملا محمد ربانی، ملا عبیدالله، ملا بورجان، ملا حبیب‌الله، ملا عبدالسلام، ملا خان محمد، ملا محمدنسیم آخوندزاده، ملا محمدحسن رحمانی، ملا محمدحسن آخوند، ملا دادالله، ملا عبدالغنی برادر (او نیز در کنار ملا عمر در جبهه حفیظ‌الله آخوندزاده جنگیده بود)، ملا عبدالرؤف، ملا نورالدین ترابی و ملا عبدالرزاق. همچنین، برابر روایت ملا عبدالسلام ضعیف، چهره‌های مذهبی شاخصی که در هنگام اعطای لقب امیرالمؤمنین به ملا عمر در نشست هزار و ۵۰۰ نفری علما در قندهار حضور داشتند، مولوی سید آغا، مولوی عبدالغفور، مولوی عنایت‌الله، مولوی شهاب‌الدین دلاور، مولوی نورمحمد ثاقب، مولوی جلیل‌الله مولوی‌زاده، مولوی عبدالغنی، مولوی عبدالحکیم و مولوی عبدالعلی دیوبندی بوده‌اند. یک مقام ارشد پیشین امنیتی می‌گوید که در اعطای لقب امیرالمؤمنین به ملا عمر، شیخ عبدالله ذاکری نقش ویژه‌ای بازی کرده است.

هفت سال پس از ظهور، طالبان در اکتبر ۲۰۰۱ به‌دلیل خودداری ملا عمر از اخراج اسامه بن لادن، رهبر سازمان تروریستی القاعده و اعضای این سازمان، آماج خشم ایالات متحده امریکا قرار گرفت. امریکا اسامه بن لادن را متهم شماره یک حمله‌ی تروریستی بر برج‌های تجارتی دوگانه در نیویورک می‌دانست. ائتلاف نظامی به رهبری امریکا «عملیات آزادی پایدار» را که هدف آن نابودی القاعده و رهبر این گروه و تخریب تمامی زیرساخت‌های طالبان و به دام‌انداختن کلیه عوامل تروریستی دخیل در حملات یازدهم سپتامبر بود، آغاز کردند. با سقوط کابل و سپس قندهار، رهبر مخفی طالبان به همراه سایر مسئولان و فرماندهان این گروه که از این جنگ تا آن هنگام جان سالم به در برده بودند، کاملاً از نظرها پنهان شدند.

۳

ترکیب قبیله‌ای طالبان

اعضای گروه طالبان را عمدتاً پشتون‌ها تشکیل می‌دهند. بنیان‌گذار این گروه، ملا محمد عمر، از قبیله‌ی هوتک بود. بسیاری از اعضای اولیه‌ی آن را فرماندهان و جنگ‌جویان قندهاری که در دو حزب جهادی «حزب اسلامی» مولوی یونس خالص و «نهضت انقلاب اسلامی» مولوی محمدنبی محمدی عضویت داشتند، تشکیل داده بودند.

حرکت طالبان از همان ابتدا نشانه‌های واضحی از بافت قبیله‌ای پشتون‌ها را منعکس می‌کرد. این پیوند قبیله‌ای در سازمان طالبان بعدها آشکارتر شد.

زیرساخت قبیله‌ای حرکت طالبان

پشتون‌ها به‌صورت عموم به چهار گروه بزرگ تقسیم می‌شوند: بتانی، کرلانی، غرغشتی و سریانی. این بخش‌بندی مجموع پشتون‌ها را که در پاکستان و افغانستان زندگی می‌کنند، در برمی‌گیرد. پشتون‌های بتانی به دو گروه غلزی/غلزی-لودی تقسیم می‌شوند. پشتون‌های کرلانی عمدتاً در داخل مرزهای پاکستان، به‌ویژه در خیبر ایجنسی و یک بخش دیگر آن در داخل افغانستان زندگی می‌کنند و دست‌کم به ۱۹ قبیله تقسیم شده‌اند. در داخل مرزهای افغانستان آنان به غلزی‌ها نزدیک و گاهی از یک شاخه به حساب می‌آیند. معروف‌ترین قبایل کرلانی که در افغانستان ساکن اند، ختک، خوگیانی، منگل، زدران، زازی، وردک و عثمان‌خیل می‌باشد. از قبایل معروف آنان در پاکستان می‌توان از قبایل افریدی، محسود، وزیر و توری نام برد. توری‌ها تنها به‌دلیل مذهب شیعه، در سال‌های اخیر نبردهای خونینی، به‌ویژه با طالبان پاکستانی تحت رهبری بیت‌الله محسود داشته‌اند. از لودی‌ها هم می‌توان به قبیله‌ی نیازی اشاره کرد. شاخه‌ی غرغشتی‌ها قبایل اندکی دارند که از قبایل شناخته‌شده‌ی آنان می‌توان از صافی و کاکر نام برد. شاخه‌ی سریانی به دو زیرشاخه‌ی درانی و یوسفزی تقسیم می‌شود. درانی‌ها عمدتاً در افغانستان و یوسفزی‌ها عمدتاً در خطوط مرزی و داخل پاکستان زندگی می‌کنند.

در داخل افغانستان اگر کرلانی‌ها را نزدیک به غلزی‌ها در نظر بگیریم، می‌توان به دو گروه عمده‌ی درانی (پشتون‌های جنوب) و غلزی (پشتون‌های مشرقی) اشاره کرد. احمدشاه درانی در سال ۱۷۷۴ میلادی امپراطوری درانی‌ها را در قندهار پایه‌گذاری کرد. عمده‌ی شهرت درانی‌ها نیز پس از احمدشاه درانی می‌آید، زیرا کمابیش در طول بیش از دو قرن در افغانستان حکمرانی کرده‌اند. از قبایل «زیرک، نوری، اسحاقزی، علیزی، پوپلزی» می‌توان به‌عنوان معروف‌ترین قبایل درانی نام برد. قبیله‌ی زیرک به زیرشاخه‌های «اچکزی، الکوزی و بارکزی» تقسیم می‌شود. عبدالرحمان‌خان که دولت مدرن در افغانستان را بنیان گذاشت و برای نخستین‌بار پس از فروپاشی امپراطوری درانی‌ها، قدرت مرکزی را به پشتون‌ها بازگرداند، از قبیله‌ی بارکزی بود. خانوارهای معروف ذیل این قبیله، محمدزی، مصاحبان و نوایی‌ها هستند. آنان در مجموع، از سال ۱۳۱۸ تا ۱۳۵۲ خورشیدی سلسله پادشاهی در افغانستان را حفظ کردند. داوودخان را می‌توان آخرین فرد مقتدر از محمدزی‌های درانی بر شمرد. از چهره‌های متأخر درانی، می‌توان از حامد کزی که از قبیله‌ی پوپلزی است و همین‌طور ملا هبت‌الله که به قبیله‌ی نوری تعلق دارد، نام برد.

غلزی‌ها دومین گروه قومی بزرگ پشتون در افغانستان هستند. میرویس‌خان هوتک که به حاکمیت صفوی‌های ایران در مرزهای کنونی افغانستان پایان داد، معروف‌ترین حاکم غلزی است که کمتر از یک قرن قبل از ظهور احمدشاه درانی به قدرت رسید. معروف‌ترین قبایل غلزی به‌نام‌های «هوتک، احمدزی، خروتی، اندر و زدران، خوگیانی و وردک» یاد می‌شوند. زدران، خوگیانی و وردک در افغانستان امروزی عموماً در ذیل قبایل غلزی در نظر گرفته می‌شوند. ملا مشک عالم، که در شورش علیه انگلیس‌ها چهره‌ی معروفی بود، از قبیله‌ی اندر بود. غلزی‌ها که عمدتاً شامل قبایل اندر، صافی، وزیر و زدران می‌شد، در همراهی با تاجیک‌ها و هزاره‌ها و قزلباش‌ها پس از تسلیم‌شدن یعقوب‌خان به انگلیس‌ها و تبعیدش به هند، در شورش‌هایی که به جنگ دوم افغان-انگلیس معروف است، سهم‌گسترده‌ای داشتند. هرچند که در نهایت عبدالرحمان‌خان، با حمایت لایتون که فرستاده‌ی پادشاهی بریتانیا در افغانستان بود، قدرت را تصاحب کرد. اولین رییس‌جمهور رژیم کمونیستی، نورمحمد ترک، نخستین چهره‌ی برجسته‌ی غلزی بود که پس از سقوط جمهوری داوودخان درانی به قدرت می‌رسید. ملا محمد عمر چهره‌ی دیگری از قبیله‌ی هوتک بود که بنیانگذار اصلی گروه طالبان محسوب می‌شود.

یک مقام پیشین امنیتی می‌گوید در میان قبایل درانی به‌صورت معمول در منازعه‌ی قدرت، قبایل بارکزی، سدوزی، محمدزی، اچکزی و پوپلزی کنار هم قرار می‌گیرند. در مقابل آن، قبایل نوری، اسحاقزی و علیزی با هم نزدیک‌تر اند. همچنین از عمده‌ترین قبایل غلزی که در صفوف طالبان حضور دارند، می‌توان به زدران، منگل، خوگیانی و هوتک اشاره کرد. این تقسیم‌بندی به این معنا نیست که از سایر قبایل در طالبان حضور ندارند. برای مثال، ملا خیرالله خیرخواه از قبیله‌ی اچکزی است، به همین ترتیب، ملا عبدالغنی برادر، چهره‌ی معروفی از قبیله‌ی پوپلزی در میان طالبان است. افراد متعلق به شبکه حقانی و ملا یعقوب از طالبان غلزی اند. از نظر جغرافیایی، طالبان جنوب (درانی) به‌صورت عمده

شامل طالبان ولایت‌های قندهار، هلمند، بخش‌هایی از ارزگان، فراه و هرات می‌شوند. طالبان مشرقی نیز به صورت عمده شامل ولایت‌های زابل، خوست، ننگرهار، پکتیا و لوگر می‌شوند.



ساختار قبایل پشتون-منبع: اطلاعات روز

۴

پیشینه‌ی تشکیل فراکسیون‌ها و بروز اختلافات در میان طالبان

اختلاف‌ها میان اعضای طالبان سابقه‌ی طولانی دارد. نخستین نشانه‌های آن را می‌توان در عدم تمایل اولیه‌ی جلال‌الدین حقانی در پیوستن به گروه طالبان یافت. جلال‌الدین حقانی، رهبر شبکه حقانی که در دوران حکومت صبغت‌الله مجددی وزیر عدلیه بود، پس از ایجاد طالبان به مخالفت با این گروه برخاست؛ اما پس از فشار آی‌اس‌آی، به این گروه پیوست. با وجود این که ملا عمر، غلزی و مربوط قبیله‌ی هوتک بود، اطرافیان او را درانی‌های جنوب تشکیل می‌دادند و این یکی از دلایلی بود که جلال‌الدین با رهبری طالبان قندهاری کنار نیامد و ساختار تشکیلاتی مستقل نیروهای خود را حفظ کرد. رهبری طالبان نیز که بیشتر متشکل از پشتون‌های قندهاری بودند، جلال‌الدین را وارد حلقه تصمیم‌گیری نکردند و پس از رسیدن به کابل و ایجاد حکومت، وزارت امور اقوام و قبایل را به او دادند. قرار گرفتن در مدیریت این وزارت به جلال‌الدین این امکان را داد که به صورت مداوم در کابل نباشد و بیشترین وقت خود را در مناطق مشرقی بگذراند و به گسترش و تحکیم نفوذ خود در آن مناطق بپردازد.

پس از سقوط حکومت طالبان و فراری‌شدن رهبران آن، نقش ملا عمر در سازماندهی فعالیت‌های طالبان کم‌رنگ شد. براساس گفته‌های عبدالحی مطمئن در کتاب «ملا محمد عمر، طالبان و افغانستان»، ملا عمر در سال ۲۰۰۳، ملا عبدالغنی برادر و ملا عبیدالله را به ترتیب معاونان خود معرفی کرد. ملا برادر از آن زمان تا هنگام دستگیری در پاکستان در سال ۲۰۱۰، نقش اصلی را در سازماندهی دوباره‌ی طالبان بازی کرد.

در اواخر زمستان ۱۳۸۸/۲۰۱۰، ملا عبدالغنی برادر که معاون ملا عمر و از رهبران اصلی این گروه در آن زمان به شمار می‌رفت، در کراچی

پاکستان دستگیر شد. در بهار ۱۳۸۹، نیویورک تایمز گزارش داد

(<https://www.nytimes.com/2010/03/25/world/asia/25afghan.html>) که رهبر طالبان به‌جای او ملا عبدالقیوم ذاکر را

که به‌تازگی از زندان گوانتانامو آزاد شده بود، تعیین کرده است. ذاکر در آن زمان در میانه دهه‌ی سوم عمرش قرار داشت و با وصف فقدان پیشینه‌ی رهبری سیاسی، یک جنگ‌جوی سرسخت به حساب می‌رفت. معاون دوم ملا عمر، ملا اختر محمد منصور بود که پیش از آن مدیریت

بخش مالی طالبان را به عهده داشت. در سال ۱۳۹۰ خبرهایی مبنی بر بستری شدن رهبر مرموز طالبان به نشر رسید و به دنبال آن ملا اختر محمد منصور در جایگاه سرپرست رهبری طالبان نشست.

زندانی شدن ملا برادر که به نظر می‌رسید ارتباطاتی میان او و حامد کرزی، رئیس‌جمهور وقت افغانستان برقرار شده بود، از دید دولت افغانستان کارشکنی پاکستان در روند صلح افغانستان تلقی شد. ملا برادر و کرزی هر دو از نظر تباری از قبیله‌ی پوپلیزی مربوط به شاخه‌ی درانی قوم پشتون هستند. یک تحلیل‌گر مسائل طالبان که نمی‌خواهد نامش افشا شود، می‌گوید که «ارتباط حامد کرزی و ملا برادر از طریق بزرگان قومی پوپلیزی» تأمین شده بود. از نظر این تحلیل‌گر مسائل طالبان، هم‌قبیله‌ای بودن ملا برادر - که در میان طالبان فرد بسیار معتمد ملا عمر به حساب می‌آمد- و حامد کرزی که سکان ریاست‌جمهوری افغانستان را به عهده داشت، زمینه‌ای ایجاد کرده بود که می‌توانست به تفاهم بین‌قبیله‌ای منجر شود. تفاهمی که از نظر سیاسی قابلیت گشودن باب گفت‌وگو میان طالبان و دولت افغانستان را داشت.

زمانی که اختر محمد منصور به‌عنوان قائم مقام و معاون ملا عمر خودش را تثبیت کرد، ارتباطی که میان حامد کرزی و ملا برادر ایجاد شده بود، از میان رفت. منصور از یک سو در آن زمان متهم به نزدیکی و ارتباط تنگاتنگ با آی‌اس‌آی، سازمان استخبارات پاکستان بود و از جهت دیگر از نظر قبیله‌ای به قبیله‌ی اسحاقزی تعلق داشت. با وجود آن که منصور باشنده‌ی ولسوالی میوند ولایت قندهار است، اما اسحاقزی‌ها عمدتاً در ولایت هلمند مستقر هستند و از نظر اقتصادی، به دلیل سلطه‌ی شان بر تولید و انتقال مواد مخدر، بدهی ثروتمند طالبان به حساب می‌آیند. با این حال، قبیله‌ی اسحاقزی از نظر کمی اندک و در اقلیت است. قیوم ذاکر که تازه از زندان آمریکا، در خلیج گوانتانامو برگشته بود، به قبیله‌ی علیزی تعلق داشت که آنان نیز شاخه‌ای از قوم درانی و متعلق به پشتون‌های جنوب اند و در هلمند و برخی مناطق قندهار زندگی می‌کنند. ذاکر مخالف سرسخت گفت‌وگو برای مصالحه بود.

مرگ مشکوک امیرالمؤمنین

در هفتم ماه اسد سال ۱۳۹۴ اداره‌ی امنیت ملی افغانستان اعلام کرد که ملا عمر مرده است. یک روز پس از آن، در هشتم ماه اسد، اختر محمد منصور مطابق اعلامیه‌ای که طالبان صادر کردند، به‌عنوان رهبر این گروه برگزیده شد. نشستن اختر محمد منصور به‌جای ملا عمر مسیر پر پیچ و خمی را پیمود و واکنش‌های بسیاری برانگیخت. مهم‌ترین آن، بی‌اعتمادی بخشی از طالبان به منصور بود که با پنهان کردن مرگ ملا عمر فرمان‌هایی به‌نام او صادر کرده بود. دلیل دوم، رقابت بر سر تصاحب کرسی رهبری طالبان بود. ملا رسول خادم، از طالبان هلمندی بلافاصله از صفوف طالبان به رهبری منصور جدا شد. ملا منان نیازی که در دور اول حاکمیت طالبان والی بلخ بود نیز با ابراز نارضایتی از این موضوع، به خادم پیوست و به‌عنوان معاون او منصوب شد. ملا رسول به قبیله‌ی نوری از قوم درانی تعلق داشت. نوری‌ها در قیاس با سایر قبایل، از جمله اسحاقزی قبیله‌ی پرجمعیت در میان درانی‌ها محسوب می‌شوند. طیب آغا که از نزدیک‌ترین یاران ملا عمر به حساب می‌آمد، نیز از دفتر سیاسی طالبان کنار رفت. جای او را عباس استانکزی گرفت که حمایت شورای رهبری طالبان تحت رهبری منصور را داشت. ملا اختر محمد منصور با وصف این که در زمان غیبت ملا عمر و زندانی شدن ملا عبدالغنی برادر، رهبری عملی این گروه را به عهده داشت، اما پس از علنی شدن مرگ ملا عمر ناگزیر بود برای تثبیت جایگاهش به‌عنوان رهبر طالبان، با ملا یعقوب، فرزند ملا عمر و سراج‌الدین حقانی، رهبر شبکه حقانی رقابت کند. اختلاف بر سر تعیین جانشین ملا عمر، با میانجی‌گری مولانا سمیع‌الحق، رئیس دارالعلوم حقانیه با اعلام رسمی منصور به‌عنوان دومین رهبر طالبان به پایان رسید.

منصور در ماه جوزای ۱۳۹۵ در یک حمله‌ی هوایی نیروهای امریکایی در منطقه‌ی احمدوال از توابع ایالت بلوچستان پاکستان کشته شد.

رهبری رسمی اختر منصور (در مقام امیرالمؤمنین) کم‌تر از ۱۰ ماه دوام کرد. او پس از به زندان افتادن ملا عبدالغنی برادر در پاکستان، رهبری طالبان را در اختیار گرفته بود و برای مدت بیش از شش سال، بدون آن که لقب ویژه‌ای داشته باشد، قدرتمندترین فرد در میان طالبان بود. به نظر سمیع یوسفزی، خبرنگار که شناخت نزدیکی از طالبان دارد، پس از آن که منصور نقش رهبری طالبان را به عهده گرفت، میزان قدرت قبیله‌ی اسحاقزی در میان این گروه به طرز قابل توجهی افزایش یافته بود. بنابر گزارش نیویارک تایمز، منصور فرماندهان تندرو میدانی و مستقر در شورای کوبته را به حاشیه رانده بود و به‌جای آن افراد میانه‌رو را انتخاب کرده بود. با این حال بعید به نظر می‌رسد که منصور صرفاً در پی به قدرت رساندن میانه‌روان (طرفداران پایان جنگ از طریق گفت‌وگو با دولت افغانستان و آمریکا) بوده باشد. حملات طالبان در دوره‌ی رهبری او به‌صورت چشم‌گیری افزایش یافته بود.

بالاگرفتن تردیدها درباره‌ی زنده بودن ملا محمد عمر و سپس علنی شدن مرگ او و سوءاستفاده از نام او به‌واسطه‌ی منصور، صفوف طالبان را به اندازه‌ی کافی متفرق کرده بود و کسانی که علناً با او مخالفت می‌کردند، کم نبودند. جدانشدن عده‌ای از فرماندهان نامور این گروه، مانند قیوم ذاکر، رسول خادم و ملا منان نیازی، عمق پراکندگی و بی‌اعتمادی در درون یک گروه بسیار متمرکز مانند طالبان را به خوبی نشان می‌دهد. نکته‌ی قابل توجه‌تر از آن این بود که افراد جدا شده از صف طالبان با جنگ‌جویان طالبان تحت رهبری منصور در هلمند و هرات درگیر شدند. از این منظر، عزل و نصب‌های منصور را می‌توان یارگیری و تلاش برای تحکیم پایه‌های اقتدارش فهم کرد. از این رو، قدرت‌یافتن طالبان اسحاقزی در دوره‌ی او چندان پرسش‌برانگیز به نظر نمی‌رسد.

۵

بازگشت طالبان به قدرت در سال ۱۴۰۰

در سال ۱۳۸۸، در کنفرانس لندن که برای تجدید تعهد جامعه‌ی جهانی برای حمایت از دولت افغانستان برگزار شده بود، دولت افغانستان در برابر گرفتن تعهد مالی از کشورهای کمک‌کننده اعلام کرد که با افزایش کمی و کیفی نیروهای امنیتی افغانستان، این کشور روند واگذاری مسئولیت امنیتی از نیروهای ائتلاف به حکومت افغانستان را تکمیل می‌کند. یک سال بعد در کنفرانس کابل دولت افغانستان بار دیگر بر گرفتن

مسئولیت‌های امنیتی از نیروهای خارجی تأکید کرد. این موضوع، روند خروج نیروهای خارجی از افغانستان را کلید زد و همزمان روند گفت‌وگو با طالبان را نیز سرعت بخشید.

در ماه جدی ۱۳۹۱، برای نخستین بار نشست با حضور نمایندگان برخی احزاب و گروه‌های سیاسی داخل کشور، به‌شمول نمایندگانی از حزب اسلامی و ایوژیسیون به رهبری داکتر عبدالله عبدالله و نمایندگان طالبان در پاریس برگزار شد. چهره برجسته طالبان در این نشست طیب آغا، رییس‌دفتر ملا عمر بود. طالبان در این نشست تمایل شان را برای پایان دادن به جنگ نشان دادند. در بیانیه طالبان در این خصوص، ضمن تأکید بر خروج کامل نیروهای امریکایی از افغانستان، بی‌اعتبارخواندن انتخابات آتی ریاست‌جمهوری در سال ۲۰۱۴/۱۳۹۳ آمده بود که «ملا عمر بارها تأکید کرده که ما به دنبال انحصار قدرت سیاسی نیستیم و خواهان حکومتی با مشارکت همه افغان‌ها در کشور می‌باشیم».

دفتر سیاسی طالبان در قطر که از سال ۱۳۹۰ به کارش آغاز کرده بود، در ۲۸ جوزای سال ۱۳۹۲ با حضور نمایندگان طالبان رسماً بازگشایی شد. به این ترتیب، دوحه از جوزای سال ۱۳۹۲ به‌صورت رسمی و علنی میزبان مقام‌های طالبان بود. رییس‌دفتر سیاسی طالبان در ابتدا و قبل از آن که شایعه مرگ ملا عمر قوت بگیرد، به عهده طیب آغا بود. در این دوره، علاوه بر طیب آغا، مولوی شهاب‌الدین دلاور، شیرمحمد عباس استانکزی، حافظ عزیزالرحمان و سهیل شاهین در این دفتر حضور داشتند. در سال ۱۳۹۵، طیب‌آغا ظاهراً در مخالفت با اختر محمد منصور که ملا عمر را برای سال‌ها پنهان نگهداشته بود، از این دفتر استعفا کرد. بنابر حکم اختر محمد منصور، شیرمحمد عباس استانکزی مسئول دفتر سیاسی طالبان در قطر شد. پس از آن چهره‌های دیگری نیز در این دفتر افزوده شدند. این چهره‌ها عبارت اند از، ملا داوود، داکتر صالح، جهانگیروال، قاضی سید جان، محی‌الدین سادات، جان محمد مدنی، ضیاءالرحمان مدنی و ملا سید رسول.

پنج عضو بلندپایه طالبان در دهم جوزای ۱۳۹۳ در بدل رهایی یو برگدال، افسر امریکایی که از سوی طالبان اختطاف شده بود، از زندان گوانتانامو در خلیج کوبا آزاد شدند. این چهره‌ها شامل عبدالحق وثیق، ملا فاضل مظلوم، ملا نورالله نوری، ملا خیرالله خیرخواه و عبدالنبی عمری می‌شدند. آن‌ها پس از آزادی به هیأت طالبان در دوحه پیوستند.

در طول سال‌های بعدی روند گفت‌وگوهای غیررسمی میان امریکا و طالبان از سوی شیرمحمد عباس استانکزی مدیریت می‌شد. اعضای هیأت طالبان در این دوره بین ۸ تا ۱۴ نفر بوده‌اند. سرانجام بنابر درخواست امریکا از پاکستان، ملا عبدالغنی برادر، معاون ملا عمر و فرمانده عمومی این گروه، در ماه عقرب سال ۱۳۹۷ از زندان (در پاکستان) رها شد و به جمع اعضای دفتر طالبان در قطر پیوست. برادر پس از رسیدن به قطر، رییس دفتر سیاسی طالبان شد. ملا برادر در اواخر سال ۱۳۹۷ هیأتی چهارده‌نفری از مقام‌های طالبان را برای گفت‌وگو با امریکا تعیین کرد. این افراد شامل چهره‌های شناخته‌شده طالبان بودند.

اعضای اولیه دفتر قطر در سال ۲۰۱۳

اعضای اولیه دفتر قطر در سال ۲۰۱۳

شماره	نام	معرفی مختصر
۱	محمد طیب آغا	طیب آغا، سکرتر سفارت در پاکستان، سخنگوی طالبان، رییس دفتر و سپس دستیار ملا محمد عمر، بود. او از سال ۱۳۸۹ تا مس‌های با دیپلمات‌های امریکایی و آلمانی داشت و پس از افتتاح دفتر سیاسی طالبان در دوحه، رییس این دفتر تعیین شد. او در سال ۱۳۹۴ از این سمت استعفا داد.
۲	مولوی نیک محمد مولوی نیک محمد	از ولسوالی ناهه ولایت هلمند است. او در دوران حاکمیت طالبان به عنوان رییس معارف ولایت قندهار کار کرده است.
۳	حاجی محمد زهد حاجی محمد زهد احمدزی	از ولایت لوگر است و در دوران حاکمیت طالبان به عنوان سکرتر سوم سفارت در اسلام‌آباد کار کرده است. او در گذشته به حزب احمدزی حرکت انقلاب اسلامی مولوی محمدنبی محمدی نزدیک بود.
۴	مولوی سید رسول مولوی سید رسول	از ولایت ننگرهار است. او در دوران حاکمیت طالبان در مدرسه تدریس می‌کرد و سمت رسمی در حکومت طالبان نداشت. ننگرهای
۵	مولوی جان محمد مولوی جان محمد مدنی	از ولسوالی پنجولی ولایت قندهار است. او تحصیلات دینی‌اش را در شهر مدینه در عربستان سعودی تکمیل کرده است. در دوران حاکمیت طالبان، سرپرست وزارت خارجه در قندهار و سپس به عنوان شازدافیر سفارت در امارات متحده عربی کار کرده است.
۶	سهیل شاهین	سهیل شاهین از ولایت پکتیا است. شاهین در دانشگاه بین‌المللی اسلامی اسلام‌آباد تحصیل کرده است. او در حاکمیت اول طالبان مدتی به عنوان ویراستار روزنامه کلبل تایمز کار کرده و سپس به عنوان معاون سفیر در پاکستان تعیین شد.
۷	شیرمحمد عباس استانکزی	از ولسوالی برکی برک ولایت لوگر است. او تحصیلات نظامی‌اش را در هند سپری کرده است و پس از آن در حزب حرکت انقلاب اسلامی و حزب اتحاد استانکزی (به رهبری سیاف) عضو بوده. در دوره حاکمیت اول طالبان، او به عنوان معاون وزارت خارجه و سپس معاون وزارت صحت عامه، کار کرده است. استانکزی، پس از استعفا طیب آغا، از سوی اختر محمد منصور رییس دفتر سیاسی طالبان در دوحه تعیین شد.
۸	قاری دین محمد اوتاجیک	اهل بدخشان است. در دوران حکومت طالبان، وزیر پلان و سپس به عنوان وزیر تحصیلات عالی طالبان کار کرده بود. حنیف
۹	مولوی دلاور	از ولایت لوگر است. او در جریان اعطای لقب امیرالمؤمنین به ملا محمد عمر در نشست علما در قندهار شرکت داشت. شهاب‌الدین دلاور در دوران شهاب‌الدین دلاور حاکمیت طالبان به عنوان کنسول در پشاور، سفیر در پاکستان، شازدافیر سفارت در عربستان سعودی و معاون محکمه استیناف در قندهار کار کرده است.
۱۰	عزیزالرحمان	حافظ عزیزالرحمان از ولایت قندهار است. او در دوران حاکمیت طالبان به عنوان سکرتر سفارت در امارات متحده عربی کار کرده است.
۱۱	داکتر محمد نعیم نعیم وردک	از ولسوالی چک ولایت وردک است. او در دارالعلوم حقیقه، دانشگاه پشاور و دانشگاه بین‌المللی اسلامی اسلام‌آباد تحصیل کرده است. وردک در سال 2011 در کلبل برای مدت کوتاهی دستگیر و زندانی شد.
۱۲	ملا عباس آخوند	ملا عباس آخوند در ولسوالی ارزگان خاص ولایت ارزگان به دنیا آمده است. او از قبیله‌ی اچکی است. او در دوران جهاد عضو حزب حرکت انقلاب اسلامی مولوی محمدنبی محمدی بود. عباس آخوند در دوران حاکمیت طالبان به عنوان وزیر صحت عامه کار کرده است.
۱۳	عبدالسلام حنیف	مولوی عبدالسلام حنیف از یک از ولایت فاریاب است. او در دوران حاکمیت طالبان به عنوان معاون وزارت معارف کار کرده است.

شماره	نام	معرفی مختصر
۱۴	سید محمد حقانی	سید محمد حقانی در ولسوالی ارغنداب ولایت قندهار به دنیا آمده و در دارالعلوم حقانیه (آکوره خنک) تحصیل کرده است. او از قبیله‌ی بارکی است و در دوران حاکمیت طالبان رییس اداره امور و سپس به عنوان سفیر در اسلام آباد کار کرده است.
۱۵	مسلم حقانی	مسلم حقانی از ولایت بغلان است. او در دوران حاکمیت طالبان به عنوان معاون وزارت حج و اوقاف و سپس به عنوان معاون وزارت تحصیلات عالی کار کرده است.

با آزاد شدن ملا عبدالغنی برادر از زندانی در پاکستان، او به دوحه رفت و به جای شیرمحمد عباس استانکزی، رییس دفتر سیاسی طالبان در قطر شد. ملا برادر همزمان با شروع رسمی مذاکرات طالبان-امریکا، اعضای هیئت مذاکره کننده طالبان را تعیین کرد. + منبع
<https://www.afghanistan-analysts.org/en/reports/war-and-peace/the-taleban-in-qatar-2-1/biographies-core-and-constellation-amended-with-more-details>

اعضای هیئت مذاکره کننده طالبان با امریکا (۱۳۹۷)

اعضای هیئت مذاکره کننده طالبان با امریکا (۲۰۱۹)

شماره	نام	معرفی مختصر
۱	شیرمحمد عباس استانکزی	استانکزی از ولسوالی برکی برک ولایت لوگر است. او تحصیلات نظامی اش را در هند سپری کرده است و پس از آن در حزب حرکت انقلاب اسلامی و حزب اتحاد اسلامی (به رهبری سیاف) عضو بوده. در دوره حاکمیت اول طالبان، او به عنوان معاون وزارت خارجه و سپس معاون وزارت صحت عامه، کار کرده است. استانکزی، پس از استعفا طیب آغا، از سوی اختر محمد منصور رییس دفتر سیاسی طالبان در دوحه تعیین شد.
۲	مولوی ضیالرحمان مدنی	مولوی عبدالسلام مولوی عبدالسلام حنفی از بیک از ولایت فاریاب است. او در دوران حاکمیت طالبان به عنوان معاون وزارت معارف کار کرده است.
۳	مولوی شهاب‌الدین دلور	مولوی دلور از ولایت لوگر است. او در جریان اعطای لقب امیرالمؤمنین به ملا محمد عمر در نشست علما در قندهار شرکت داشت. شهاب‌الدین دلور در دور شهاب‌الدین دلور اول حاکمیت طالبان به عنوان کنسول در پشاور، سفیر در پاکستان، شارژدافیر سفارت در عربستان سعودی و معاون محکمه استیناف در قندهار کار کرده است.
۴	ملا عبداللطیف منصور	ملا عبداللطیف منصور در ولسوالی گرده سرئی ولایت پکتیکا تولد شده است. او از قبیله‌ی سهک غلئی است. منصور در دوره‌های آخر حاکمیت اول طالبان به عنوان وزیر زراعت و مالدار تعیین شد. پس از آن عضو شورای رهبری و رییس کمیسیون سیاسی طالبان کار کرده است. او مسئول شبکه‌ی منصور در ولایت پکتیکا و والی نام نهاد طالبان بیری ولایت ننگرهار بوده است.
۵	ملا عبدالمنان عمی	ملا عبدالمنان عمی برادر ملا عمرا است. او پس از آزادی از زندان، به جمع اعضای طالبان در دفتر سیاسی این گروه در دوحه پیوست.
۶	مولوی امیرخان متقی	امیرخان متقی احتمالاً در ولسوالی زرمت ولایت پکتیکا تولد شده است. او در ۹ سالگی به پاکستان مهاجر شده و در مدارس علوم دینی تحصیل کرده است. او در اول حاکمیت طالبان به عنوان مسئول رادیو در قندهار، وزیر معارف و وزیر اطلاعات و فرهنگ کار کرده است. متقی عضو شورای رهبری شورای کویته و مسئول کمیته رسانه‌های آن بوده است.
۷	ملا محمدافضل ملاخیرالله خیرخواه	ملا محمدافضل از ولایت ارگان و از قبیله‌ی کاکر (غلئی) است. او در حاکمیت اول طالبان به عنوان فرمانده نظامی، فرمانده نظامی طالبان در شمال و فرمانده این گروه در جریان قتل علم پکولنگ بود. او پس از شکست طالبان دستگیر و در گوانتنامو زندانی شد. در سال ۲۰۱۴ از این زندان آزاد شد.
۸	ملا خیرالله خیرخواه	ملا خیرالله خیرخواه از قبیله‌ی اجکزی است، او در ولسوالی ارغستان ولایت قندهار تولد شده است. خیرخواه در مدارس مذهبی در بلوچستان و کوهل، در پاکستان، تحصیل کرده است. خیرخواه در دوران حاکمیت طالبان به عنوان سخنگوی این گروه، وزیر داخله، مسئول عمومی زون جنوب غرب و والی در هرات کار کرده است. او در سال ۲۰۰۵ دستگیر و به زندان خلیج گوانتنامو در کوبا منتقل شد. او در سال ۲۰۱۴ آزاد و به طالبان مستقر در دوحه پیوست.
۹	مولوی مطیع‌الحق مطیع‌الحق	مولوی مطیع‌الحق خالص، پسر بیونس خالص، در ولسوالی خوگیا ولایت ننگرهار تولد شده است. او در دانشگاه اسلامی مدینه، دانشگاه پنجاب (در لاهور) و جمعیت العلوم اسلامی پشاور تحصیل کرده است. او مدتی به عنوان معاون ریاست معارف ننگرهار کار کرده است. پس از سقوط طالبان به جنگ مسلحانه روی آورد و زمانی با برادرش جبهه تورپوراز راه‌اندازی کرده بود.
۱۰	انس حقانی	انس حقانی پسر کوچک جلال‌الدین حقانی، بنیان‌گذار شبکه حقانی، است. او در میزان سال ۱۳۹۳ با زداشت و به افغانستان منتقل شد و در زندان بگرام نگهداری می‌شد. امنیت ملی پیشین افغانستان در مورد او گفته بود که، انس حقانی برای جمع‌آوری کمک مالی به کشورهای عربی رفت و آمد داشته است. انس حقانی در عقرب ۱۳۹۸ آزاد شد و به جمع هیئت طالبان در دوحه پیوست.
۱۱	ملا نورالله نوری	ملا نورالله نوری در ولسوالی شاه جوی ولایت زابل تولد شده و از قبیله‌ی توخی (غلئی) است. کارش را در گروه طالبان به عنوان یک جنگ‌جوی عادی، محافظ ولایت (ننگرهار و بلخ) شروع کرده و از فرماندهان نظامی معروف طالبان در دوران حاکمیت این گروه بود. او در کنار ملا دادالله و ملا فضل در شمال می‌جنگید. وی از آخرین فرماندهان طالبان در مزار شریف است. او در سال ۲۰۰۵ دستگیر و به زندان گوانتنامو در خلیج کوبا منتقل شد. در سال ۲۰۱۴ آزاد شد و به دوحه رفت.
۱۲	مولوی محمدنبی عمی	مولوی محمدنبی عمی، در ولسوالی اسماعیل-منوی ولایت خوست تولد شده است. برادر او بلرهم عمی در حاکمیت اول طالبان در وزارت سرحدات، اقوم و قیابیل کار کرده است، جایی که تحت اداره جلال‌الدین حقانی بود. گفته می‌شود او از افراد نزدیک به شبکه حقانی است و در سال ۲۰۱۴ در نتیجه‌ی معاوضی بو برگنل، افسر امریکایی، با پنج تن از اعضای بلندیلی طالبان، آزاد شد و به دوحه رفت.
۱۳	مولوی عبدالحق وثیق	مولوی عبدالحق وثیق از ولسوالی اندر (قبیله اندر) ولایت غزنی است. او در دوران حاکمیت طالبان به عنوان معاون اداره استخبارت طالبان کار می‌کرد. در سال ۲۰۰۵ دستگیر و به گوانتنامو منتقل شد. او در سال ۲۰۱۴ از زندان گوانتنامو آزاد شد و به دفتر طالبان در قطر پیوست.

مذاکرات مستقیم امریکا-طالبان از ۲۰ میزان سال ۱۳۹۷ شروع شد و سرانجام به تاریخ ۱۰ حوت ۱۳۹۸ به پایان رسید. یازده دور مذاکره میان هیأت‌های دو طرف ۱۸ ماه زمان برد و سرانجام در روز دهم ماه حوت سال ۱۳۹۸ توافق‌نامه‌ی صلح میان امریکا و طالبان به امضای ملا

عبدالغنی برادر و زلمی خلیل‌زاد رسید.

گفت‌وگوهای طالبان و دولت، گروه‌های سیاسی داخلی که به گفت‌وگوی بین‌الافغانی معروف شده، با هفت ماه تأخیر در ماه سنبله ۱۳۹۹ در دوحه آغاز شد. دور سوم این گفت‌وگوها در ماه جوزای سال ۱۴۰۰ شروع شد، اما هیچ پیشرفتی تا آن هنگام برای رسیدن به یک راه‌حل جامع میان دولت-گروه‌های سیاسی جمهوری اسلامی و گروه طالبان حاصل نشده بود. در حالی که قرار بود یک هیأت با صلاحیت به رهبری داکتر عبدالله عبدالله، رییس پیشین شورای عالی مصالحه ملی برای گفت‌وگو با طالبان به قطر سفر کند، کابل سقوط کرد.

چهره‌های افزوده شده به ترکیب هیأت مذاکره‌کننده طالبان

چهره‌های افزوده شده به ترکیب هیأت مذاکره‌کننده طالبان

شماره	نام	معرفی مختصر
۱	شیخ عبدالحکیم	شیخ عبدالحکیم از چهره‌های قدیمی طالبان است (متولد سال ۱۳۳۶) و از ولسوالی مینودولایت قندهار می‌باشد. او در دوران اول حاکمیت طالبان، به‌عنوان (حقانی/اسحاقی) رییس تمیز و عضو دارالافتای مرکزی طالبان کار کرده است. در دوره ریاست ملاهیت‌الله بر دارالافتای طالبان، شیخ حکیم معاون وی (رییس محکمه تمیز) بود و پس از برگزیده شدن ملاهیت‌الله به‌عنوان رهبر طالبان، رییس دارالافتای طالبان تعیین شد. او سپس رییس هیأت مذاکره‌کننده طالبان در گفت‌وگوهای «بین‌الافغانی» تعیین شد.
۲	مولوی عبدالکبیر	مولوی عبدالکبیر زاده‌ی ولسوالی نهرین ولایت بغلان است. او در دوران اول حاکمیت طالبان، به‌عنوان والی در ولایت‌های لوگر و ننگرهار کار کرده است. رییس تنظیمه زون جنوب شرق بوده، معاون اقتصادی ریاست‌الوزرا بوده و پس از سقوط طالبان نیز به‌عنوان رییس کمیسیون سیاسی، عضو شورای رهبری و رییس کمیسیون دعوت و ارشاد طالبان کار کرده است.
۳	عبدالله حنفی (ملا شیرین)	عبدالله حنفی، مشهور به ملا شیرین آخوند، از ولسوالی زری ولایت قندهار است. در دوران اول حاکمیت طالبان برای مدت کوتاهی مسئول امنیت محل زندگی ملا محمد عمر تعیین شد. پس از سقوط طالبان، او به‌عنوان رییس کمیسیون نظامی غرب، والی نام نهاد هرات، رییس کمیسیون نظامی ولایت شرقی و مسئول کمیسیون استخبارات و رییس واحد استشهادهای (انتحاری) زون غرب، کار کرده است. او با فرمان ملاهیت‌الله عضو شورای رهبری طالبان شد.
۴	مولوی محمد قاسم راسخ	مولوی راسخ از ولسوالی فیض‌آباد ولایت جوزجان و از قوم ترکمن است. او تحصیلات دینی‌اش را در دارالعلوم «مظهرالعلوم» در خیرپختونخواه تکمیل کرده است. مولوی قاسم راسخ در سال‌های گذشته عضو کمیسیون دعوت و ارشاد، والی نام نهاد طالبان بری جوزجان و رییس محکمه استیناف این گروه بری بیش از ۲۰ ولایت شرقی و شمالی کار کرده است. پس از آن مولوی راسخ به‌عنوان عضو شورای رهبری طالبان انتخاب شد.
۵	مولوی فریدالدین محمود	مولوی فریدالدین محمود از ولسوالی شرنه ولایت پکتیکا است. او در مدارس دینی در پشاور و کوهات و سپس دارالعلوم حقانیه تحصیل کرده است. مولوی محمود پس از پیروزی مجاهدین به‌عنوان والی پکتیکا کار کرده و در دوران اول حاکمیت طالبان معاون آکادمی علوم افغانستان بوده است. پس از سقوط طالبان عضو ریاست تمیز و سپس عضو هیأت مذاکره‌کننده طالبان با دولت و سیاسیون افغانستان بوده است.

۶

بیدار شدن در بستر قدرت

طالبان در دو هفته اول حضور شان در کابل نتوانستند تصمیمی در خصوص تشکیل دولت بگیرند. یک مقام امنیتی پیشین دولت افغانستان می‌گوید که اختلاف اصلی بر سر تشکیل حکومت میان جناح‌های ملا برادر، ملا حسن آخوند و سراج‌الدین حقانی بود. در روز سیزدهم حضور طالبان در کابل، عکسی از جنرال فیض حمید، رییس وقت آی‌اس‌آی به همراه سفیر این کشور در هتل کابل-سربینا پخش شد. بسیاری از ناظران عقیده داشتند حمید برای حل اختلاف‌ها میان جناح‌های مختلف طالبان به کابل آمده است. سه روز پس از دیده‌شدن فیض حمید در هتل کابل-سربینا کابل، در شانزدهم سنبله ۱۴۰۰، طالبان فهرست کابینه‌ی این گروه را که شامل رییس‌الوزرا و دو معاونش و ۱۹ سرپرست وزیر می‌شد، اعلام کردند.

در کابینه‌ی حکومت سرپرست طالبان هیچ عضو «غیرطالب» دیده نمی‌شد. همچنین کابینه‌ی حکومت طالبان از نظر تنوع قومی در انحصار مطلق پشتون‌ها بود. اعضای کابینه بین قبایل حامی طالبان تقسیم شده و دربرگیرنده‌ی دو شاخه عمدی درانی (طالبان جنوب) و غلزی (طالبان شرق) می‌باشد. در میان قبایل نیز سهم بیشتر به قبایلی که چهره‌های نیرومندی در بدنه‌ی طالبان داشته و در ۲۰ سال گذشته حامی طالبان بوده‌اند، رسیده است.

در رأس حکومت سرپرست طالبان، «رییس‌الوزرا» قرار دارد که می‌تواند عنوانی برابر با «صدراعظم» باشد. ریاست‌الوزرا در ارگ، کاخ ریاست‌جمهوری موقعیت دارد و در شرح وظایف ریاست عمومی دفتر آن آمده است که این دفتر «وظیفه‌ی برقراری و تنظیم برنامه‌های ملی، سیاسی و عمومی، ارتباط با مردم، پیروی و تعقیب احکام، دستورات و فرمان‌های عالیقدر امیرالمؤمنین و رییس‌الوزرا را بر عهده دارد». اولین کابینه‌ی طالبان شامل ۱۹ سرپرست‌وزیر، پنج معاون وزیر و شش سرپرست نهادها و ریاست‌های مستقل بود. ملا حسن آخوند، به‌عنوان رییس‌الوزرا، عبدالغنی برادر به‌عنوان معاون اقتصادی ریاست‌الوزرا و مولوی عبدالسلام حنفی، به‌عنوان معاون اداری آن تعیین شدند.

فهرست کابینه

فهرست کابینه

شماره	نهاد	نام	قوم قبایله شاخه
۱	ریاست‌الوزرا	ملا محمد حسن آخوند	پشتون درانی بابر
۲	معاونت اقتصادی ریاست‌الوزرا	ملا عبدالغنی برادر	پشتون درانی پوپلی

شماره	نهاد	نام	قوم	قبیله شاخه
۳	معاونت اداری ریاست الوزرا	مولوی عبدالسلام حنفی	پشتون	ازبیک
۴	وزارت دفاع	مولوی یعقوب مجاهد	پشتون	غلی هونک
۵	وزارت داخله	خلیفه سراج الدین حقانی	پشتون	غلی زدران
۶	وزارت خارجه	مولوی امیرخان متقی	پشتون	درانی
۷	وزارت مالیه	ملا محمد ناصر	پشتون	درانی اسحاقی
۸	وزارت معارف	شیخ مولوی نورالله منیر	پشتون	غلی اندر
۹	وزارت اطلاعات و فرهنگ	ملا خیرالله خیرخواه	پشتون	درانی پوپلی
۱۰	وزارت اقتصاد	دین محمد حنیف	پشتون	تاجیک
۱۱	وزارت حج و اوقاف	شیخ مولوی نورمحمد ثاقب	پشتون	غلی احمدی
۱۲	وزارت عدلیه	مولوی عبدالحکیم شری	پشتون	درانی
۱۳	وزارت سرحدات، اقوام و قبایل	ملا نورالله توری	پشتون	غلی توخی
۱۴	وزارت احیا و انکشاف دهات	ملا محمد یونس آخوندزاده	پشتون	درانی
۱۵	وزارت امریه معروف و نهی از منکر	شیخ محمد خالد	پشتون	نورستانی
۱۶	وزارت فواید عامه	ملا عبدالمنان عمی	پشتون	غلی هونک
۱۷	وزارت معادن و پترولیم	حاجی ملا محمد عیسی آخوندپشتون	پشتون	درانی
۱۸	وزارت انرژی و آب	ملا عبداللطیف منصور	پشتون	غلی سهک
۱۹	وزارت ترانسپورت و حمل و نقل عمومی	ملا حمیدالله آخوندزاده	پشتون	غلی
۲۰	وزارت تحصیلات عالی	مولوی عبدالباقی حقانی	پشتون	غلی
۲۱	وزارت مخابرات	مولوی نجیب الله حقانی	پشتون	غلی
۲۲	وزارت مهاجرین و عودت کنندگان	حاجی خلیل الرحمان حقانی	پشتون	غلی زدران
۲۳	ریاست عمومی استخبارات	ملا عبدالحق وثیق	پشتون	غلی خوگیانی
۲۴	ریاست بانک مرکزی	حاجی محمد ادریس	پشتون	ازبیک
۲۵	ریاست عمومی اداره امور	ملا احمد جان احمدی	پشتون	غلی ترکی
۲۶	معاون وزارت دفاع	ملا محمد فاضل مظلوم	پشتون	غلی کاکر
۲۷	ریاست ارتش	قای فصیح الدین	پشتون	تاجیک
۲۸	معاون وزارت خارجه	شیرمحمد عباس استانکی	پشتون	غلی استانکی
۲۹	معاون وزارت امور داخله	مولوی نور جلال	پشتون	غلی شینواری
۳۰	معاون وزارت اطلاعات و فرهنگ	ذبیح الله مجاهد	پشتون	غلی
۳۱	معاون اول ریاست استخبارات	ملائاج میر جواد	پشتون	غلی
۳۲	معاون دوم ریاست استخبارات	ملا رحمت الله نجیب	پشتون	
۳۳	معاون مبارزه با مواد مخدر وزارت امور داخله	ملا عبدالحق آخوند	پشتون	

حکومت طالبان به تاریخ ۳۰ سنبله ۱۴۰۰، شماری دیگر از اعضای کابینه و معاونان وزارتخانه‌ها را اعلام کرد.

شماره	نام نهاد	نام فرد	قوم	قبیله
۱	وزارت تجارت	نورمحمد عزیزی	پشتون	تاجیک
۲	معاون وزارت تجارت	محمد بشیر	پشتون	تاجیک
۳	معاون وزارت تجارت	محمد عظیم سلطانزاده تاجیک	پشتون	
۴	وزارت صحت عامه	قلندر عباد	پشتون	هزاره (پکتیکا)
۵	معاون وزارت صحت عامه	عبدالباقی عمر	پشتون	
۶	معاون وزارت صحت عامه	محمد حسن غیانی	پشتون	هزاره
۷	معاون امنیتی وزارت داخله	ملا محمد ابراهیم صدر	پشتون	درانی - الکوری
۸	معاون وزارت دفاع	ملا عبدالقیوم ذاکر	پشتون	درانی - علیزی
۹	معاون وزارت انرژی و آب	مجیب الرحمان عمر	پشتون	
۱۰	معاون وزارت مبارزه با حوادث	غلام غوث ناصری	پشتون	
۱۱	معاون وزارت اقوام و قبایل	گل محمد	پشتون	
۱۲	معاون وزارت اقوام و قبایل	گل زرین کوچی	پشتون	
۱۳	معاون وزارت مهاجرین	ارسلان خوتی	پشتون	غلی - خروتی
۱۴	معاون مسلکی وزارت تحصیلات عالی لطف الله خیرخواه		پشتون	
۱۵	کمیته ملی المپیک	نظر محمد مطمئن	پشتون	
۱۶	اداری احصاییه و معلومات	مولوی زیار محمد فقیر	پشتون	
۱۷	اداره انرژی اتمی	انجنیر نجیب الله	پشتون	

در ۱۳ میزان سال ۱۴۰۰، طالبان فهرستی از انتصاب‌های تازه که عمدتاً در وزارت دفاع تعیین شده بودند را اعلام کرد. در این فهرست یک معاونیت در ریاست الوزرا افزوده شده بود. مولوی عبدالکبیر، از چهره‌های شناخته شده طالبان و عضو هیئت مذاکره کننده این گروه در دوحه، به‌عنوان معاون سیاسی ریاست الوزرا تعیین شده بود.

به تاریخ ۲۳ میزان ۱۴۰۰، شیخ عبدالحکیم اسحاقزی، رییس دارالافتای طالبان و رییس هیئت مذاکره کننده طالبان با سیاست مداران و دولت پیشین (جمهوری اسلامی افغانستان) در دوحه، به عنوان قاضی القضاة حکومت سرپرست طالبان منصوب شده بود.

پس از آن به تاریخ اول قوس ۱۴۰۰، طالبان تغییراتی در کابینه حکومت سرپرست این گروه اعمال کردند. از موارد قابل توجه، انتصاب مولوی شهاب الدین دلاور، به‌عنوان سرپرست وزارت معادن و پترولیم بود.

انتصاب‌های جدید

انتصاب های جدید

شماره	نام نهاد	نام فرد
۱	وزارت معادن و پترولیم	مولوی شهاب الدین دلاور
۲	معاون وزارت معادن و پترولیم	مولوی محمدعیسی آخوند
۳	وزارت مبارزه با حوادث	ملا محمدعباس آخوند
۴	معاون وزارت مبارزه با حوادث	مولوی شرف الدین مسلم
۵	معاون وزارت مبارزه با حوادث	مولوی عنایت الله
۶	اداره ملی تدارکات	شیخ عبدالرحیم
۷	اداره عالی تفتیش	مولوی قدرت الله جمال
۸	معاون اداره عالی تفتیش	مولوی عزت الله
۹	اداره تنظیم امور زندان ها	مولوی محمدیوسف مستوی
۱۰	معاون اداره تنظیم امور زندان ها	مولوی محب الله فضلی
۱۱	کمیسیون اصلاحات اداری و خدمات ملکی	مولوی کرامت الله آخوندزاده
۱۲	معاون وزارت سرحدات، اقوام و قبایل	مولوی احمد طه
۱۳	معاون ریاست عمومی کوچی ها	مولوی گل زری
۱۴	معاون وزارت شهدا و معلولین	شیخ مولوی عبدالحکیم
۱۵	معاون وزارت معارف	مولوی سعید احمد
۱۶	معاون وزارت احیا و انکشاف دهات	مولوی عبدالرحمان حلیم
۱۷	معاون مالی و اداری وزارت اطلاعات و فرهنگ	مولوی عتیق الله عزیزی
۱۸	معاون امور جوانان وزارت اطلاعات و فرهنگ	ملا فیض الله آخوند
۱۹	معاون وزارت انرژی و آب	مولوی عارف الله عارف
۲۰	معاون ارتباطات ریاست عمومی اداره امور	مولوی سیف الدین طایب
۲۱	مستول میدان هوایی قندهار	مولوی فتح الله منصور
۲۲	معاون ریاست سره میا شت	مولوی عصمت الله عاصم

از ماه قوس تا دلو ۱۴۰۰، در کابینه طالبان تغییرات اندکی رونما شد. به تاریخ ۲۷ جدی ملا عبدالمنان عمری، برادر ملا عمر از وزارت فواید عامه برکنار و به‌عنوان سرپرست وزارت کار و امور اجتماعی تعیین شد. ملا محمدعیسی آخوند که قبل از آن سرپرست وزارت معادن و پترولیم و پس از انتصاب شهاب الدین دلاور به‌عنوان سرپرست این وزارت خانه به‌عنوان معاون او تعیین شده بود، به جای عبدالمنان عمری به‌عنوان سرپرست وزارت فواید عامه تعیین شد. با انتصاب شمس الدین شریعتی، تاجیک اهل بدخشان به‌عنوان دادستان کل، حکومت سرپرست طالبان اعضای کابینه اش را تکمیل کرد.

جدول نهایی کابینه‌ی حکومت سرپرست طالبان

موقعیت	نام	قومیت قبیله شاخه
رهبر	امیرالمومنین شیخ‌هبت‌الله آخوندزاده‌میشون	درانی نوری
قاضی القضاة	شیخ عبدالحکیم حقانی	پشتون درانی اسحاقزی
رییس الوزرا	ملاحسن آخواند	پشتون درانی بابر
معاون اول	ملا عبدالغنی برادر	پشتون درانی پوپلری
معاون دوم	مولوی عبدالکبیر	پشتون غلری زدران
معاون سوم	مولوی عبدالسلام حنفی	ازبیک
زراعت، آبیاری، مالداري	مولوی عطاءالله عمري	ازبیک
وزارت اقوام و قبایل	ملا نورالله نوری	پشتون غلری هوتک
وزارت تجارت	حاجی نورالدین عزیزی	تاجیک

موقعیت	نام	قومیت قبیله شاخه
وزارت مخابرات و تکنولوژی ارتباطی	مولوی نجیب الله حقانی	پشتون شینواری
وزارت دفاع	ملا محمد یعقوب مجاهد	پشتون غلزی هوتک
وزارت اقتصاد	قاری دین محمد حنیف	تاجیک
وزارت معارف	حبیب الله آغا	پشتون درانی
وزارت مالیه	ملا محمد ناصر	پشتون درانی اسحاقزی
وزارت امور خارجه	ملا امیرخان متقی	پشتون درانی
وزارت حج و اوقاف	مولوی نورمحمد ثاقب	پشتون غلزی احمدزی
وزارت تحصیلات عالی	مولوی ندما محمد ندیم	پشتون درانی
وزارت اطلاعات و فرهنگ	ملا خیرالله خیرخواه	پشتون درانی پوپلی
وزارت امور داخله	سراج الدین حقانی	پشتون غلزی زدران
وزارت عدلیه	عبدالحکیم شرعی	پشتون غلزی
وزارت کار و امور اجتماعی	ملا عبدالمنان عمری	پشتون غلزی هوتک
وزارت معادن و پترولیوم	مولوی شهاب الدین دالور	پشتون غلزی
وزارت صحت عامه	داکتر فلندر عباد	هزاره
وزارت فولید عامه	ملا محمد عیسی ثانی	پشتون
وزارت امور عودت کنندگان و مهاجرین حاجی خلیل الرحمان حقانی		پشتون غلزی زدران
	ملا محمد یونس آخوندزاده	پشتون

ترکیب قبیله‌ای در کابینه‌ی حکومت طالبان

در اولین کابینه‌ی طالبان به صورت کلی رهبری سیاسی و اقتصادی در اختیار درانی‌ها و رهبری نظامی در اختیار غلزی‌ها قرار گرفت و بسیاری از فرماندهان برجسته‌ی طالبان جنوب از فهرست اولیه‌ی کابینه غایب بودند. نکته‌ی قابل توجه در این بخش این است که پس از کم‌تر از یک‌ونیم سال، ملا حسن آخوند از سمت ریاست‌الوزرا برکنار و به‌جای او مولوی عبدالکبیر تعیین شد. حسن آخوند از قبیله‌ی بابر که نزدیک به درانی‌ها می‌باشد، بود و مولوی عبدالکبیر از قبیله‌ی زدران اما رقیب شبکه حقانی به حساب می‌آید.

درانی‌ها

درانی‌ها اکنون در رأس رهبری سیاسی، عقیدتی و اقتصادی طالبان قرار دارند. ملا هبت‌الله آخوندزاده از قبیله‌ی نوزی رهبر و امیرالمؤمنین این گروه است. معاون اول ریاست‌الوزرا، ملا برادر نیز از قبیله‌ی پوپلی است.

ملا هدایت‌الله بدری مطابق روایتی که از کتاب «بازگشت طالبان» در روزنامه «دان» پاکستان به قلم انور اقبال نشر شده، با وساطت امیرخان متقی و تأیید جنرال باجو، رییس وقت ستاد ارتش پاکستان به‌عنوان وزیر مالیه تعیین شده بود. با این حال او از سوی هبت‌الله برکنار و به‌عنوان رییس بانک مرکزی تعیین شد. مولوی امیرخان متقی، وزیر خارجه‌ی طالبان با وصف آن که در ولسوالی زرم‌ت ولایت پکتیا تولد شده، به قوم درانی و شاخه‌ی قندهاری طالبان تعلق دارد. علاوه بر این‌ها، ملا خیرالله خیرخواه که در دور اول حاکمیت طالبان به‌عنوان والی هرات، والی کابل، وزیر امور داخله، سخن‌گوی طالبان و فرمانده نیروهای طالبان در بلخ کار کرده بود، وزیر اطلاعات و فرهنگ تعیین شد. خیرخواه در ولسوالی ارغستان ولایت قندهار تولد شده و به قبیله‌ی اچکزی درانی‌ها تعلق دارد. عبدالحکیم شرعی، در روستای ایوب‌خیل ولایت خوست زاده شده، اما از نظر تباری به درانی‌ها تعلق دارد. او به‌عنوان وزیر عدلیه تعیین شد. محمد عیسی آخوند، در این فهرست به‌عنوان وزیر معادن و پترولیوم تعیین شد. هرچند گفته می‌شود که او به شاخه‌ی درانی‌ها تعلق دارد اما اطلاعات دقیقی در مورد قبیله‌اش موجود نیست. عیسی آخوند بعدتر به‌عنوان وزیر فواید عامه، جانشین ملا عبدالمنان عمری شد. از دیگر چهره‌های شاخص می‌توان به مولوی نورمحمد ثاقب اشاره کرد که وزیر حج و اوقاف حکومت طالبان است.

در مجموع تا این هنگام، از میان ۱۹ وزارت‌خانه، ۱۱ وزارت‌خانه به درانی (طالبان جنوب) تعلق دارد که عمدتاً وزارت‌خانه‌های بخش‌های مالی، توسعه و اقتصادی می‌باشد.

غلزی‌ها

در برابر آن، سه نهاد مهم امنیتی هر سه از نظر تقسیمات تباری در اختیار غلزی‌ها است. سراج‌الدین حقانی، سرپرست وزارت داخله تعیین شد. از او در اعلامیه‌های رسمی وزارت داخله به‌نام خلیفه سراج‌الدین حقانی نام برده می‌شود. سراج‌الدین پسر جلال‌الدین حقانی است که در دوران جهاد معاون اول یونس خالص، از رهبران جهادی آن زمان بود. او به‌عنوان رییس شبکه حقانی و معاون دوم ملا هبت‌الله، قبل از سقوط دولت پیشین، نقش مهمی در جابه‌جایی اعضای القاعده در نواحی مرزی پاکستان، به‌ویژه در خیبرپختونخواه داشت. حقانی به قبیله‌ی زدران از شاخه‌ی کرلانی که نزدیک به غلزی‌ها است، تعلق دارد. وزارت دفاع به ملا یعقوب، پسر ملا عمر رسید. ملا یعقوب رییس کمیسیون نظامی و معاون اول ملا هبت‌الله قبل از سقوط دولت پیشین بود. یعقوب به قبیله‌ی هوتک تعلق دارد. ریاست اداری استخبارات طالبان (ریاست عمومی امنیت ملی پیشین) به مولوی عبدالحق وثیق رسید. وثیق جزو پنج نفری بود که در ازای آزادی بو برگدال، افسر امریکایی، از زندان گوانتانامو در خلیج کوبا آزاد شد و به جمع طالبان مستقر در دوحه پیوست. او در حکومت قبلی طالبان معاون اداری استخبارات این گروه بود. وثیق از قوم خوگیانی است که شاخه‌ای متعلق به غلزی‌ها است. خلیل‌الرحمان حقانی، کاکای سراج‌الدین حقانی وزیر امور مهاجرین تعیین شد.

عبداللطیف منصور، سرپرست وزارت انرژی و آب تعیین شد. او از ولسوالی گرده‌سرای ولایت پکتیا است و متعلق به قبیله سهاک که شاخه‌ای از قوم غلزی است، می‌باشد. عبدالطیف منصور اندکی پیش از سقوط حکومت طالبان در ۱۳۸۱، سرپرست وزارت زراعت و مالداری دولت طالبان تعیین شده بود. او والی نام‌نهاد طالبان برای ننگرهار بوده و از فرماندهان معروف این گروه در شرق کشور بود. عبدالمنان عمری، برادر ملا محمد عمر و از قبیله هوتک است. او در اولین فهرست کابینه به‌عنوان وزیر فواید عامه تعیین شد و سپس به‌عنوان سرپرست وزارت کار و امور اجتماعی برگزیده شد. عبدالمنان عمری قبل از آن عضو هیأت طالبان در گفت‌وگوهای دوحه بود. حمیدالله آخوندزاده، سرپرست وزارت هوانوردی تعیین شد. آخوندزاده در دور اول حاکمیت طالبان رییس شرکت هوایی آریانا بود. محل تولد او به‌صورت دقیق مشخص نیست، ولسوالی ارغنداب ولایت قندهار یا واشیر ولایت هلمند گفته شده است. حمیدالله آخوندزاده متعلق به قوم غلزی است. مولوی نورالله نوری از دیگر چهره‌های شناخته‌شده طالبان به‌عنوان وزیر سرحدات، اقوام و قبایل تعیین شد. نوری در ولسوالی شاهجوی ولایت زابل زاده شده و از قبیله توخی، شاخه‌ای از قوم غلزی است. او به‌عنوان محافظ والی ننگرهار و سپس به‌عنوان عضوی از قطعه‌ی محافظت والی در بلخ فعالیت کرده است. نورالله نوری احتمالاً در ماه‌های پایانی حکومت طالبان به‌عنوان سرپرست ولایت بلخ کار کرده است. او پس از شکست طالبان در مزارشریف به قندز عقب‌نشینی کرد و در نشست معروفی که ملا فاضل مظلوم نیز در آن حضور داشت، با مارشال دوستم و فرماندهان ائتلاف شمال برای انتقال امن جنگ‌جویان طالبان از شمال، مذاکره کرد. نوری توسط نیروهای امریکایی دستگیر و به زندان گوانتانامو منتقل شد. مولوی نورمحمد ثاقب به‌عنوان وزیر حج و اوقاف تعیین شد. ثاقب، از ولسوالی بگرامی یا ده‌سبز کابل است و به قبیله احمدزی که شاخه‌ای از قوم غلزی است، تعلق دارد. مولوی ثاقب پیش از آن در دور اول حاکمیت طالبان به‌عنوان قاضی‌القضات کار کرده بود.

از چهره‌های شناخته‌شده دیگر متعلق به غلزی‌ها در اولین فهرست کابینه‌ی حکومت سرپرست طالبان، می‌توان به شیرمحمد عباس استانکزی، معاون وزارت خارجه، محمدفاضل مظلوم، معاون وزارت دفاع و ذبیح‌الله مجاهد، معاون وزارت اطلاعات و فرهنگ نام برد. ملا فاضل مظلوم، از معروف‌ترین فرماندهان این گروه است که در دور اول حکمرانی طالبان در شمال کشور می‌جنگید و پس از کشته‌شدن ملا دادالله، رهبری نیروهای نظامی این گروه را در شمال به عهده گرفت. ملا فاضل همچنین در لشکرکشی طالبان به بامیان و قتل‌عام یکاوانگ نقش داشت. فاضل پس از سقوط طالبان در شمال کشور دستگیر و زندانی شد و تا سال ۲۰۱۴ در گوانتانامو بود. پس از آزادی، او به جمع طالبان مستقر در دوحه پیوست و عضو هیأت مذاکرات صلح با امریکا و سپس دولت افغانستان بود.

امیرالمؤمنین جدید طالبان کیست؟



ملا هبت‌الله آخوندزاده

در سال ۱۳۹۰ خورشیدی یک تاجر بلوچ اهل افغانستان در منطقه‌ی قوچلاق از توابع ایالت بلوچستان پاکستان یک مدرسه‌ی دینی تأسیس کرد و ملای به‌نام شیخ هبت‌الله آخوندزاده را به‌عنوان مدرس آن گماشت. آخوندزاده وقتی مدرس این مدرسه شد، فرد اثرگذاری در صفوف طالبان به حساب نمی‌آمد، اما عالم دینی خیره‌ای بود. او در سال ۱۹۶۰ در روستای سپروان ولسوالی پنج‌وایی ولایت قندهار به دنیا آمد. پدرش، ملا محمد آخوند، امام جماعت همین روستا بود و به همین دلیل هبت‌الله آموزش‌های ابتدایی را تحت نظارت پدرش در روستا فرا گرفت. بخش عمده‌ی نفوس پنج‌وایی را قبیله‌ی نوزی که شاخه‌ای از قوم درانی است، تشکیل می‌دهد و ملا هبت‌الله نیز به این قبیله تعلق دارد. در ابتدای حمله‌ی قشون اتحاد جماهیر شوروی بین سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۷۹، آخوندزاده با خانواده‌اش به پاکستان پناه برد و در یکی از اولین مدارسی که برای مهاجران تأسیس شده بود، تحصیلات مذهبی‌اش را ادامه داد. پس از شروع مقاومت مجاهدین و تأسیس احزاب جهادی، آخوندزاده به قندهار برگشت و عضو حزب اسلامی مولوی خالص بود.

هبت‌الله در دور اول حکمرانی طالبان برای زمانی رییس دادستانی ولایت ننگرهار بود، او سپس رییس دارالافتای طالبان تعیین شد. هنگامی که دور اول حاکمیت طالبان سقوط کرد، او مانند بسیاری از اعضای این گروه، به پاکستان پناه برد. یک مقام امنیتی دولت پیشین افغانستان می‌گوید: «ملا هبت‌الله پس از کشته‌شدن شیخ عبدالله ذاکری، به‌حیث رییس دارالافتای طالبان در کویت تعیین شد». شیخ عبدالله ذاکری در سال ۱۳۷۳، خرّقه‌ی مبارک (پیرهن منسوب به حضرت محمد) را از محلی به همین نام (خرّقه‌ی مبارک) بیرون آورد و در طی مراسمی به ملا محمد عمر لقب امیرالمؤمنین را داد.

در این تردیدی نیست که ملا هبت‌الله قبل از آن که به‌عنوان رییس دارالافتای طالبان تعیین شود، فرد نسبتاً گمنامی بوده است. سمیع یوسفزی می‌گوید، ملا هبت‌الله مدرس یک مدرسه‌ی دینی در یک محله در بلوچستان پاکستان بود. به قول این خبرنگار مطلع از تحولات درون‌سازمانی طالبان، هبت‌الله حتا در جمع مدرسان مدارس مذهبی نیز فرد بسیار معروفی به حساب نمی‌رفت. او می‌گوید در برنامه‌ای که برای عمامه‌بستن طلاب یک مدرسه‌ی دینی در محله‌ی ملا هبت‌الله برگزار شده بود، نامش در آخر لیست مدرسان همان محله آمده بود. آقای یوسفزی حتا در این‌که ملا هبت‌الله عضو شورای کویته بوده باشد نیز تردید دارد. او می‌گوید: «حداقل من نام او را در شورای کویته نشنیده بودم.»

نام او در نشست علمای افغانستان در سال ۱۳۷۳ که تحت رهبری شیخ عبدالله ذاکری برگزار شد و در نتیجه‌ی آن ملا عمر لقب امیرالمؤمنین را گرفت و روحانیون حاضر در آن نشست با وی بیعت کردند، نیز دیده نمی‌شود. به همین خاطر حتا وجود شخص حقیقی‌ای به این نام، دست‌کم در محافل رسانه‌ای گاهی مورد تردید قرار می‌گیرد. به‌باور برخی از ناظران، هبت‌الله پیش از آن‌که نام حقیقی باشد، به مجموعه‌ای از تصمیم‌گیرندگان در رهبری طالبان اشاره می‌کند. اما جوزف فر، نویسنده‌ی مقاله «طالبان کیستند» در این مقاله‌اش استدلال می‌کند که چنین وضعیتی، برای رهبری بسیار متمرکز طالبان یک خطر جدی به حساب می‌آید، چون این امکان را به‌وجود می‌آورد که «افراد مختلفی تظاهر به ملا هبت‌الله‌بودن کنند». علی‌رغم تمام تردیدها، جمع‌بندی جوزف فر این است که چنین شخصی وجود حقیقی دارد. از طرف دیگر، او با وصف آن‌که تا سال ۱۳۹۵ (هنگام مرگ اختر محمد منصور) سرگرم مدیریت مدرسه‌اش بوده، در بازه زمانی کمتر از یک سال، زمانی که منصور رسماً به‌عنوان رهبر طالبان انتخاب شده بود، معاون دوم او بود. با توجه به این‌که تصرف کرسی ملا عمر از سوی منصور ناراضایتی زیادی، به‌ویژه در میان قبیله‌ی نوزی که از قبایل پرجمعیت قوم درانی است و در رأس آنان ملا رسول خلق کرده بود، وجود ملا هبت‌الله و انتصاب او به‌عنوان معاون دوم منصور منطقی به نظر می‌رسد.

آقای یوسفزی می‌گوید، با روی کارآمدن منصور، ملا هبت‌الله آخوندزاده که «تا آن زمان در محله‌اش به‌نام آخوندزاده کوچلک/فوجلاق معروف بود، مدرسه‌اش را ترک کرد تا به‌عنوان معاون منصور در شورای رهبری طالبان خدمت کند».

سمیع یوسفزی بر این باور است که پس از مرگ منصور، ملا هدایت‌الله بدری که در آن زمان رییس کمیسیون مالی طالبان بود، برای تصاحب جایگاه رهبری طالبان مشتاق بود. با این حال، به دلیل فقدان سواد و تحصیلات مذهبی مورد استقبال شورای رهبری قرار نگرفت.

بدری پس از آن‌که منصور به‌عنوان معاون ملا عمر تعیین شد، جایگاه او (ریاست کمیسیون مالی طالبان) را تصاحب کرد. او نیز چون منصور از قبیله‌ی اسحاقزی بود. با توجه به این‌که ملا یعقوب و سراج‌الدین حقانی، با اختر محمد منصور بر سر رسیدن به کرسی رهبری طالبان به شدت رقابت کرده بودند، تلاش هدایت‌الله بدری برای تصاحب جایگاه منصور می‌توانست مخالفت این دو را که نفوذ قابل توجهی در میان فرماندهان مشرقی و جنوبی طالبان داشتند، برانگیزد و میزان اختلاف‌ها در رهبری طالبان را بیش از پیش افزایش دهد. سمیع یوسفزی به این باور است که هدایت‌الله بدری به همین دلیل، در رساندن ملا هبت‌الله به کرسی رهبری طالبان نقش کلیدی بازی کرده است. به این سبب که ملا هبت‌الله برعکس سراج‌الدین حقانی یا ملا یعقوب و تقریباً تمامی چهره‌های کلیدی طالبان، فردی ناشناخته، فاقد توانایی فرماندهی میدانی و قدرت نظامی بود. درواقع ملا هبت‌الله مهره‌ی ضعیفی به حساب می‌آمد که حصول توافق بر سر رهبری او میان فرماندهان نیرومند طالبان با چالش کم‌تری روبه‌رو بود.

از نظر بسیاری از ناظران مسائل طالبان، پس از مرگ منصور این گروه با دو مشکل عمده روبه‌رو بود. یک مقام ارشد امنیتی دولت پیشین می‌گوید اولین چالش این بود که رهبر جدید باید می‌توانست اختلاف‌های پیش‌آمده میان فرماندهان و قبایل را برطرف کند و «میزان فعالیت ملا رسول نوزی را کم‌رنگ سازد». دومین چالش یافتن شخصی بود که از اعتبار علمی بلندی در میان طالبان برخوردار باشد. این مقام پیشین امنیتی می‌افزاید، به این سبب ملا هبت‌الله که از قبیله‌ی نوزی بود به‌عنوان امیرالمؤمنین (رهبر) و شیخ عبدالحکیم اسحاقزی که از قبیله‌ی اسحاقزی است، رییس دارالافتای طالبان تعیین شدند. دو معاون او به ترتیب ملا یعقوب و سراج‌الدین حقانی تعیین شدند. یعقوب که پسر ملا عمر غلزی است، ریاست کمیسیون نظامی طالبان را نیز به عهده گرفت. صدر ابراهیم که از طالبان هلمندی (درانی) و قبل از یعقوب رییس کمیسیون نظامی طالبان بود، به‌عنوان معاون یعقوب در این کمیسیون تعیین شد. سراج‌الدین حقانی به‌عنوان معاون دوم هبت‌الله تعیین شد. او رییس شبکه حقانی بود و شورای میرانشاه را رهبری می‌کرد، شورایی که در زمان رهبری منصور رقیب شورای کویته به حساب می‌آمد. به این ترتیب ملا هبت‌الله آخوندزاده در اواخر سال 1395 رسماً به‌عنوان امیرالمؤمنین طالبان برگزیده شد. ایمن‌الظواهری، رهبر القاعده و گروه‌های بنیادگرای جهادی آسیای میانه با او بیعت کردند.

کم‌تر از یک سال بعد، ملا هبت‌الله، فرزندش حافظ عبدالرحمان را برای انجام یک حمله‌ی انتحاری فرستاد. فرستادن فرزند خود برای عملیات انتحاری در میان رهبران طالبان، حتا شبکه حقانی که مبدع این رویکرد ستنیزه‌جویانه در میان طالبان محسوب می‌شود، مسأله تازه‌ای بود. ملا هبت‌الله ضمن دوری از فرماندهی میدانی طالبان مانند ملا عمر و برعکس اختر محمد منصور، با فرستادن پسرش به عملیات انتحاری یک گام در جهت اثبات تعهدش به طالبان، از اولین رهبر طالبان نیز فراتر رفت؛ اقدامی که به جلب اعتماد بدنه‌ی طالبان به‌عنوان یک رهبر متعهد و صادق بسیار کمک می‌کرد.

ملا هبت‌الله با سپردن فرماندهی عملیاتی به ملا یعقوب و سراج‌الدین حقانی، عملاً به رهبری معنوی طالبان اکتفا کرد و به استثنای توصیه‌های عمومی و صدور پیام‌های اختصاصی، به‌ویژه در مناسبت‌های مذهبی مانند اعیاد فطر و قربان، نقش برجسته‌ای دست‌کم تا بازگشت دوباره طالبان به قدرت بازی نکرد.

هرچند طالبان در کل به دو بخش عمده جنوبی و مشرقی (درانی و غلزی) تقسیم می‌شوند، اما لزوماً در رقابت قدرت از این الگو پیروی نمی‌کنند. یک مقام پیشین امنیتی افغانستان معتقد است که در حال حاضر چهار شبکه اصلی قدرت در درون طالبان با هم درگیر رقابت اند. ملا هبت‌الله و ملا برادر از درانی‌ها و ملا یعقوب و سراج‌الدین حقانی از غلزی‌ها، چهار شبکه اصلی قدرت در درون طالبان را تشکیل می‌دهند. در این بین، رابطه‌ی ملا برادر و ملا یعقوب با همدیگر نزدیک‌تر است. هر دو از چهره‌های میانه‌رو، مخالف نفوذ پاکستان و مصمم به برقراری ارتباط عادی با جامعه‌ی جهانی و کشورهای منطقه به حساب می‌آیند و هر دو دست‌کم در میان جناح‌های محافظه‌کارتر طالبان مطنون به ارتباط با امریکا هستند. شبکه حقانی، جناح نزدیک به پاکستان، دارای روابط پیچیده با شبکه‌های تروریستی بین‌المللی و منطقه‌ای به حساب می‌آید. از میان این چهار شبکه، به نظر می‌رسد شبکه ملا هبت‌الله پیوسته در حال افزایش قدرت و نفوذ است، چه که امیرالمؤمنین در ساختار تشکیلاتی طالبان حتا قادر به استعفا نیست و رهبری‌اش مادام‌العمر است. ثبات ناشی از آن و قدرت بی‌حد و حصر رهبری در ساختار طالبان، انگیزه‌ی جدی برای بسیاری از طالبان، به‌شمول طالبان غیربشتون برای نزدیک‌شدن به او ایجاد کرده است.

۱. ملا برادر



ملا عبدالغنی برادر، یکی از بنیانگذاران طالبان - عکس: AFP

ملا برادر از چهره‌های قدیمی طالبان است که علی‌رغم سابقه‌ی پررنگ در بنیان‌گذاری و رهبری طالبان و سپس امضای موافقت‌نامه‌ی صلح با امریکا، از نفوذ چندانی در قیاس با سایر رقبایش در کابینه‌ی طالبان برخوردار نیست. با این حال، او همچنان شبکه‌ی وسیعی از جنگ‌جویان طالبان جنوب را فرماندهی می‌کند و بر آنان اثرگذار است. به نظر می‌رسد سه دلیل عمده در کاهش نقش ملا برادر در حکومت جدید طالبان اثرگذار بوده است. اول، ملا برادر از قبیله‌ی پوپلزی است، قبیله‌ای که در ۲۰ سال گذشته در دولت پیشین صاحب جایگاه و قدرت بوده است. ولسوالی پنج‌وایی از مناطقی در قندهار است که اکثریت باشندگان آن مربوط به قبیله‌ی نوزی هستند، اما در دولت پیشین اکثر مقام‌های حکومت محلی از میان پوپلزی‌ها برای این ولسوالی انتخاب می‌شدند. حامد کرزی که ۱۳ سال در رأس قدرت نظام سیاسی پیشین بود، به قبیله‌ی پوپلزی تعلق دارد. دومین دلیل، به سابقه‌ی مخالفت او با پاکستان و تلاش‌های ناکامش برای مصالحه با دولت قبلی برمی‌گردد. به نظر می‌رسد دستگیری او در سال ۲۰۱۰ و زندانی‌شدن‌اش در پاکستان برای دست‌کم هشت سال، به فاصله‌گرفتن‌اش از نفوذ پاکستان ربط دارد. سومین عامل، هشت سال دوری او از میادین نبرد و کش‌وقوس‌های قدرت در درون طالبان است. مولوی عبدالسلام حنفی و ملا هب‌الله بدری که از وزارت مالیه برکنار و به‌عنوان رییس بانک مرکزی انتخاب شد، از چهره‌های نزدیک به وی به حساب می‌آیند.

۲. سراج‌الدین حقانی



سراج‌الدین حقانی - عکس: AFP

سراج‌الدین حقانی و شبکه حقانی در کل نیرومندترین گروه نظامی در فراکسیون‌های داخلی طالبان است. حقانی، با منصور بر سر کسب کرسی رهبری طالبان رقابت کرد. او در رقابت با شورای کویت، شورای میرانشاه را تشکیل داد. شبکه حقانی در نزدیکی با سازمان القاعده و گروه‌های بنیادگرای جهادی آسیای میانه و همین‌طور طالبان پاکستانی، نقش مؤثر و قدرت قابل توجهی در جنگ با آمریکا و دولت پیشین افغانستان داشت. وی در کابینه طالبان هنوز هم از قدرت قابل توجهی برخوردار است. حقانی‌ها، وزارت‌خانه‌های داخله، امور مهاجرین، انرژی و آب و ریاست عمومی پاسپورت و شمار زیادی از فرماندهی‌های امنیتی ولایت‌های کشور را در اختیار دارند. معاون اول اداری استخبارات طالبان، تاجمیر جواد نیز یک فرمانده ارشد شبکه حقانی است. انتخاب فرماندهان سرشناس ازبیک، صلاح‌الدین ایوبی و مخدوم خادم به‌عنوان فرماندهان امنیه در ولایت‌های زابل و غزنی نشان می‌دهد که او ارتباط خوبی با طالبان شمال دارد. با این حال، برخی ناظران به این عقیده‌اند که با افزایش روزافزون قدرت ملا هبت‌الله، بسیاری از این فرماندهان به‌دنبال نزدیک شدن با شاخه‌ی ملا هبت‌الله می‌باشند.

۳. ملا یعقوب



ملا محمد یعقوب، وزیر دفاع طالبان - عکس: AFP

ملا یعقوب وزارت دفاع را در اختیار دارد و از این طریق بخش عمده‌ی جنگ‌جویان طالبان، به‌خصوص از میان پشتون‌های زابل را رهبری می‌کند. او بخش عمده‌ای از فرماندهان قول اردوها، دستگاه پروکراتیک و نظامی عظیم وزارت دفاع و فرماندهان نظامی محلی را انتخاب کرده است. کاکای او، عبدالمنان عمری وزیر کار و امور اجتماعی حکومت طالبان است.

ملا یعقوب همچنین به ملا برادر نزدیک است و این موضوع می‌تواند تا حدی هر دو شبکه را در صف واحدی قرار دهد. برادر به ملا عمر، پدر یعقوب بسیار نزدیک و از افراد مورد اعتماد او بود. این احساس در میان هر دو مشترک است که کرسی رهبری طالبان بیش از هرکسی به آنان تعلق دارد. با وصف آن که ملا یعقوب از نظر قبیله‌ای، هوتک و شاخه‌ای از قوم غلزی است، اما به دلیل نفوذ قابل توجه پدرش بر قندهار و طالبان جنوب، او علاوه بر زابل و مناطقی از غزنی، بر طالبان جنوبی نیز نفوذ دارد. از این منظر نیز حوزه نفوذ ملا برادر و ملا یعقوب نزدیک به هم است.

۴. ملا هبت‌الله

یک مقام امنیتی دولت پیشین در مصاحبه‌اش با روزنامه اطلاعات روز گفت که در حال حاضر پایتخت واقعی (دیفکتو) افغانستان قندهار است، جایی که امیرالمؤمنین طالبان سعی می‌کند قدرت را به‌صورت بی‌رویه‌ای در دفتر خودش متمرکز سازد. اکنون دفتر او در قندهار از نظر قدرت و صلاحیت اجرایی اختیار تام دارد. این اقتدار ربط مستحکمی با ساختار تشکیلاتی طالبان دارد. پس از اعطای لقب امیرالمؤمنین توسط شیخ عبدالله ذاکری به ملا محمد عمر، صرف نظر از اقتدار سیاسی، به رهبر طالبان اقتدار مذهبی/معنوی نیز بخشیده شد. پس از آن، رهبری منصور را می‌توان یک استثنا به حساب آورد، چه که او از طریق توان عملیاتی و موقعیت میدانی‌اش درواقع رهبر پیشین طالبان را ابتدا منزوی کرد و سپس جایگاه او را علی‌رغم خواست تمامی رهبران طالبان، به‌ویژه ملاهای جنوب و شرق، تصاحب کرد. برخلاف منصور، ملا هبت‌الله از جایگاه یک روحانی مذهبی به تشکیلات سیاسی طالبان راه یافته است. او پس از تصاحب رهبری این گروه، به‌عنوان امیرالمؤمنین شناخته شد و در مورد جایگاهش رهبری و فرماندهان قدرتمند طالبان، توافق نظر داشتند. در ساختار گروهی طالبان، امیرالمؤمنین، بالاترین مقام و دارای قدرت تام است. مجموعه‌ی اعضای طالبان، به‌شمول فرماندهان و رهبران تا جنگ‌جویان و حامیان غیرمسلح گروه، با او بیعت می‌کنند. بیعت، یک مفهوم کلاسیک اسلامی است و به موجب آن، کسانی که با رهبر طالبان بیعت کرده‌اند، مکلف به اجرای فرمان‌های او و اطاعت از تصامیم‌اش هستند.

هبت‌الله نخستین رهبر طالبان است که پسرش را برای انجام عملیات انتحاری (حمله‌ی استشهادی) به میدان نبرد فرستاد و قربانی کرد. دوری‌گزینی‌اش از فرماندهی میدانی و واگذاری این بخش به دو معاون قدرتمندش، ملا یعقوب و سراج‌الدین حقانی، میزان اعتماد به او را در میان رهبری میانی طالبان افزایش داد.



مولوی هبت‌الله آخوندزاده (آخوندزاده)

پس از سقوط کابل و بازگشت دوباره‌ی طالبان به حکمرانی، ملا هبت‌الله نیز گوشه‌ی انزواپس را ترک کرد. سمیع یوسفزی و یک عضو دستگاه امنیتی دولت پیشین، هر دو به این نظر هستند که اختلاف‌ها میان ملا حسن آخوند، ملا برادر، سراج‌الدین حقانی و دیگر فراکسیون‌های طالبان باعث شد که رهبر این گروه شخصا برای تنظیم و توزیع قدرت اقدام کند. به دلیل جایگاه ویژه‌ی شرعی-تشکیلاتی هبت‌الله در میان طالبان، دفتر او قدرتمندترین فراکسیون طالبان به حساب می‌آید.

شیخ حکیم اسحاقزی، قاضی‌القضات طالبان و ملا حسن آخوند، رئیس‌الوزرا، از افراد بسیار نزدیک به ملا هبت‌الله بوده‌اند. نقل قولی منسوب به ملا برادر است که گفته، هبت‌الله سابه‌ی شیخ حکیم است. اما در کشاکش قدرت، این وضعیت تا حدی تغییر کرده است. سمیع یوسفزی به این باور است که ملا حسن آخوند اکنون از ملا هبت‌الله ناراضی است. او اخیرا بنا بر درخواست خودش برکنار شد و جای او را مولوی عبدالکبیر گرفت. به همین ترتیب، به نقل از دست‌کم دو منبع مطلع، روابط میان شیخ حکیم و ملا هبت‌الله نیز به سردی گرایده است. یک مقام پیشین امنیتی به روزنامه اطلاعات روز گفت که فعلا، مشاوران نزدیک ملا هبت‌الله را اعضای دارالافتای طالبان که در مجموع طلاب مدارس دیوبندی بوده‌اند، تشکیل می‌دهند. مفتی عبدالقیوم ذاکری، پسر شیخ عبدالله ذاکری و مولوی جان‌احمد احمدی (مولوی بلال) که در ابتدا رئیس عمومی اداری امور بود و اکنون به‌عنوان رئیس‌دفتر ملا هبت‌الله گماشته شده، چهره‌های نزدیک به ملا هبت‌الله به حساب می‌آیند. به‌باور سمیع یوسفزی، از دیگر چهره‌های نزدیک به ملا هبت‌الله، مولوی حبیب‌الله حقانی، مولوی محمود و مولوی نورمحمد ثاقب هستند. مولوی حبیب‌الله حقانی، «باجه‌ی ملا هبت‌الله است و رئیس نشست لوبه جرگه علما در کابل بود؛ جایی که ملا هبت‌الله در آن -هرچند پشت به جمعیت- سخنرانی کرد. مولوی محمود رئیس اکادمی علوم افغانستان است.

همچنین بسیاری از فرماندهان ناراضی طالبان که در کابینه‌ی این گروه از به‌دست‌آوردن پست‌های مهم محروم شدند، سعی می‌کنند به ملا هبت‌الله نزدیک شوند. ملا صدر ابراهیم که در عمل رئیس شورای طالبان هلمند است و ملا قیوم ذاکر، معاون او که از افراد بسیار نزدیک به ملا هدایت‌الله بدری بودند، کسانی اند که در پی نزدیک‌شدن به ملا هبت‌الله هستند. به همین ترتیب، شیخ خالد حنفي، وزیر امر به معروف و نهی از منکر طالبان نیز از چهره‌های نزدیک به رهبر طالبان است. علاوه بر این، وزیر معارف طالبان، مولوی حبیب‌الله آغا، برادر همسر ملا هبت‌الله است. او قبل از آن که به سرپرستی وزارت معارف گماشته شود، رئیس شورای ولایتی طالبان در قندهار بود. از چهره‌های نسبتا نیرومند رهبر طالبان می‌توان از حاجی وفا، والی بلخ نیز نام برد.

اخيرا رحمت‌الله نیل، رئیس پیشین امنیت ملی حکومت گذشته، مدعی شد که از مجموع صد میلیارد افغانی درآمد گمرکات کشور، نزدیک به شصت میلیارد آن به دفتر ملا هبت‌الله اختصاص داده شده است. به نظر می‌رسد استعفای بدری از وزارت مالیه نیز به این مسأله ربط دارد. به نقل از نیل، رهبر طالبان با اعمال فشار مستقیم برای دریافت وجوه نقدی از منابع عایداتی طالبان، در پی تشکیل یک گروه نظامی چهل هزار نفری وفادار به خودش است. او در طول یک سال گذشته رؤسای گمرکات و مأموران مالی و کارمندان اداری را به قندهار خواسته و به صورت مستقیم دستوراتی به آنان صادر کرده است. اقدامی که نشان می‌دهد رهبر طالبان از دایره‌ی امر و نهی شرعی پا فراتر گذاشته و از استخدام وزرا و والی‌ها و فرماندهان نظامی تا استخدام کارمندان ملکی و پایین‌رتبه‌ی ادارات را تحت کنترل خود در می‌آورد.

در میانه‌ی ماه تور ۱۴۰۲، رهبر طالبان فرمانی صادر کرد که به موجب آن فرماندهان سه قول اردوی مهم این گروه تغییر کردند و والی و فرمانده امنیه‌ی قندهار نیز مشخص شد. براساس این فرمان، ملا شیرین آخوند که فرماندهی گروه استشهادی حوزی جنوب‌غرب را در زمان جنگ با جمهوری اسلامی افغانستان به عهده داشت و پس از بازگشت طالبان به قدرت معین استخبارات وزارت دفاع این گروه تعیین شده بود، به‌عنوان والی جدید قندهار برگزیده است. به همین ترتیب، فرماندهان جدیدی برای قول اردوهای الفتخ (بلخ)، قول اردوی منصوری (پکتیا) و قول اردوی الفاروق (هرات) تعیین شدند.

طالبان از بدو شکل‌گیری تا اکنون فراز و فرودهای بسیاری را تجربه کرده‌اند. اعضای اولیه‌ی این گروه عمدتاً سابقه‌ی حضور و عضویت در حزب اسلامی یونس خالص و نهضت انقلاب اسلامی مولوی محمدی را داشته‌اند. در دهه‌ی ۹۰ میلادی از این گروه می‌توان منسجم‌ترین گروه شبه‌نظامی نام برد، همین برتری نیز باعث شد که به سادگی بر افغانستان مسلط شود. با این حال، این انسجام به مرور کم‌رنگ شده است. نقطه عطف بروز اختلافات درونی طالبان را می‌توان به دوره‌ای که اختر محمد منصور رهبری عملی این گروه را به عهده داشت و مرگ ملا عمر را مخفی کرده بود، ارجاع داد. در زمان منصور اختلاف‌ها به صورت بی‌پیشینه‌ای افزایش یافت، تا آن‌جا که شماری از اعضای آن از این گروه رسماً جدا شدند و راه متفاوتی را پیمودند. جلوگیری از فروپاشی کامل طالبان علت اساسی تعیین ملا هبت‌الله به‌عنوان رهبر گروه بود. هبت‌الله از یک سو از قدرت قابل نگرانی‌ای برای رقبا برخوردار نبود و از جهتی دو معاونش را از میان غلزی‌ها و دو شبکه‌ی قدرتمند طالبان انتخاب کرده بود؛ سراج‌الدین حقانی که رهبری شبکه حقانی را به عهده داشت و ملا یعقوب که حامیان ملا عمر را راضی نگه می‌داشت.

پس از سقوط جمهوری اسلامی افغانستان و سلطه‌ی دوباره‌ی طالبان بر افغانستان، اختلاف‌ها میان رهبران طالبان برای تصاحب قدرت بیشتر تشدید یافت. در نتیجه‌ی رقابت‌های جدید، ملا برادر تا حدی به حاشیه رانده شد، یعقوب با وصف آن که محبوبیت‌اش را در میان بخشی از جنگ‌جویان طالبان حفظ کرده، اما عملاً گستره‌ی اختیارش حتماً در وزارت دفاع به مرور کاهش یافته است. حقانی‌ها کنترل شان را بر بخشی از کابینه حفظ کرده‌اند و کماکان قدرت مانور گسترده‌تری نسبت به دو رقیب دیگر دارند.

اعضای کابینه در درجه‌ی اول پشتون و سپس از میان غلزی‌ها و درانی‌ها هستند. در عزل و نصب‌ها، علاوه بر ارتباط قبیله‌ای، وفاداری شخصی نیز نقش ویژه‌ای دارد.

در عین زمان، به موازات افزایش عمر حاکمیت طالبان، قدرت ملا هبت‌الله در حال افزایش است. او رهبر طالبان است که اکنون اختیار و قدرت نام‌اش را از روی کاغذ می‌تواند در عمل استفاده کند. رهبر طالبان با توجه به همین اصل، اختیار عزل و نصب‌ها در حکومت سرپرست طالبان را به دست گرفته است. تغییر والی‌ها و وزرا و فرماندهان نظامی با فرمان او انجام می‌شود. درآمد حاصل از منابع مالی داخلی اکنون تحت نظارت دفتر رهبری طالبان در قندهار است و پایتخت واقعی قدرت نیز به تدریج در حال انتقال به این ولایت است. وضعیت استثنایی ملا هبت‌الله باعث شده که بسیاری از فرماندهان عمده‌ی طالبان در تلاش برای نزدیک شدن به او باشند.

مقاومت یک‌تنه‌ی ملا هبت‌الله در برابر فشارهای بین‌المللی، به‌خصوص در بخش اجازه‌ی کار و تحصیل به زنان، تأکید او به اهمیت ویژه‌ی اداراتی مانند وزارت امر به معروف و نهی از منکر و سخنرانی‌اش در خصوص احیای نظام خالص مورد نظرش، فصل تازه‌ای در حکمرانی طالبان گشوده است. اگر طالبان «نسخه‌ی ۲.۰» چهره‌ی نسبتاً معتدل و متمایل به تعامل با جامعه‌ی جهانی را از خود نشان دادند، اکنون اما طالبان تحت حاکمیت تام ملا هبت‌الله، همان طوری که ناظران می‌گویند، به سمت بازگشت به رفتار، سیاست و عملکرد این گروه در دهه‌ی ۹۰ میلادی در حرکت است. سمیع یوسفزی نیز تأیید می‌کند که دست‌کم هفت ماه پس از روی کار آمدن دوباره‌ی طالبان، ملا هبت‌الله کوشیده تا این گروه را براساس دیدگاه خودش بازسازی کند و بسیاری از فرماندهان برجسته‌ی آن اکنون اهمیت و قدرت قبلی‌شان را ندارند.

علی‌رغم خوش‌بینی‌ها نسبت به تغییر طالبان، هبت‌الله در تلاش بازسازی وجهه‌ی به‌شدت محافظه‌کار طالبان است. از این منظر احتمالاً بتوان طالبان تحت رهبری ملا هبت‌الله را طالبان «نسخه‌ی ۳.۰» نامید.

لینک این مطلب در تریبون زمانه (<https://www.tribunezamaneh.com/archives/233719>)

منبع: اطلاعات روز (<https://www.etilatroz.com/special/report/3/view/#group-section-mkdmh-eZWnmkS6HF>)

این مطلب را پسندیدید؟ کمک مالی شما به ما این امکان را خواهد داد که از این نوع مطالب بیشتر منتشر کنیم.

آیا مایل هستید ما را در تحقیق و نوشتن تعداد بیشتری از این گونه مطالب یاری کنید؟
از ما حمایت کنید

در حال حاضر امکان دریافت کمک مخاطبان ساکن ایران وجود ندارد

[توضیح بیشتر در مورد اینکه چگونه ما حمایت کنیم](#)